



Developing a Parenting Training Package Based on the Dominant Early Maladaptive Schemas in Adolescents and Examining Its Effectiveness on Parent-Child Interaction

Milad Hassan¹ , Roya Kochak Entezar^{*2} , Fatemeh Golshani³ , Hajar Tarverdizadeh³

1. Department of Psychology and Educational Sciences, C.T.c, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: m.hasan.psy@iauctb.ac.ir
2. Department of Psychology and Educational Sciences, C.T.c, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Roy.Kochak.Entezar@iauctb.ac.ir
3. Department of Psychology and Educational Sciences, C.T.c, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: fat.golshani@iauctb.ac.ir
4. Department of Psychology and Educational Sciences, C.T.c, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: h.tarverdizadeh@iau.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: 27 Dec 2025
Revised: 30 Jan 2026
Accepted: 25 Feb 2026
First Published: 09 Sep 2026

Keywords:

Adolescents, Early Maladaptive Schemas, Parenting Training Package, Parents' Parenting, Parent-Child Interaction

ABSTRACT

The present study was conducted to developing a parenting training package based on the dominant early maladaptive schemas in adolescents and examining its effectiveness on parent-child interaction. The research method of the present study was analysis thematic through comparative method in the qualitative part and quasi-experimental with pretest, posttest, control group design and two-month follow-up period in the quantitative part. The statistical population of the qualitative section included adolescents who had at least one of the early maladaptive schemas. The quantitative part included adolescents and their parents in the 5th education district of Tehran in the academic year 2024-2025. 36 parents were selected using purposive sampling and randomly assigned equally to experimental and control groups. Parents of adolescents in the experimental group received a parenting training package. In this study, the Early Maladaptive Schemas Questionnaire (EMSQ) and the Parent-Child Interaction Questionnaire (PCRQ) were used. The data were analyzed through mixed ANOVA via SPSS23 software. The results showed that the four schemas of distrust, rigid standards, emotional detachment, and emotional inhibition were the most prevalent in adolescents, and the parenting training package was developed around these schemas. The results also showed that the developed parenting training package had sufficient content validity and had a significant effect on parent-child interaction ($P < 0.0001$; $\eta^2 = 0.64$; $F = 60.83$). Accordingly, it can be said that the training package developed by identifying early maladaptive schemas and teaching parents related concepts can be used as an efficient method to improve parent-child interaction among adolescents.

Cite this article: Hassan, M., Kochak Entezar, R., Golshani, F., Tarverdizadeh, H. (2026). Developing a Parenting Training Package Based on the Dominant Early Maladaptive Schemas in Adolescents and Examining Its Effectiveness on Parent-Child Interaction. *Journal of Applied Psychological Research*, (In press/ Accepted). e108716. Doi: 10.22059/japr.2026.408966.645469



تدوین بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان و بررسی اثربخشی آن بر تعامل والد-فرزند

میلاّد حسن^۱، رویا کوچک انتظار^{۲*}، فاطمه گلشنی^۳، هاجر تارویردی زاده^۴

۱. گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: m.hasan.psy@iauctb.ac.ir

۲. گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: Roy.Kochak-Entezar@iauctb.ac.ir

۳. گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: fat.golshani@iauctb.ac.ir

۴. گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: h.tarverdizadeh@iaui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸

کلیدواژه‌ها:

بسته آموزشی فرزندپروری، تعامل والد-

فرزند، شیوه‌های فرزندپروری، طرحواره-

های ناسازگار اولیه، نوجوانان

هدف این پژوهش تدوین بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان و بررسی اثربخشی آن بر تعامل والد-فرزند بود. روش این پژوهش در بخش کیفی، تحلیل مضمون به روش استقرایی و در بخش کمی، نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دوماهه بود. جامعه آماری بخش کیفی شامل نوجوانانی بود که حداقل یکی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه را دارا بودند. در بخش کمی نیز شامل نوجوانان و والدین آنان در منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند. ۳۶ والد با روش هدفمند انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جایدهی شدند. والدین نوجوانان حاضر در گروه آزمایش بسته آموزشی فرزندپروری را دریافت کردند. در این پژوهش از پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (EMSQ) و پرسشنامه تعامل والد-فرزند (PCRQ) استفاده شد. داده‌ها با تحلیل واریانس آمیخته با نرم‌افزار SPSS^{۲۳} تحلیل شد. نتایج نشان داد بسته آموزشی فرزندپروری دارای روایی محتوایی کافی بوده ($CVI=0/938$) و ($CVR=0/792$) و بر تعامل والد-فرزند ($F=60/83$; $\eta^2=0/64$; $P<0/001$) نوجوانان نیز تأثیر معنادار داشته است. بر این اساس می‌توان گفت بسته آموزشی تدوین شده با شناسایی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و آموزش مفاهیم مرتبط به والدین می‌تواند به عنوان یک روش کارآمد جهت بهبود تعامل والد-فرزند نوجوانان مورد استفاده گیرد.

استناد: حسن، م.، کوچک انتظار، ر.، گلشنی، ف.، تارویردی‌زاده، ه. (۱۴۰۵). تدوین بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان و بررسی اثربخشی آن بر تعامل والد-فرزند. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، (انتشار آنلاین / پذیرش شده). doi: 10.22059/japr.2026.408966.645469

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2026.408966.645469>

© نویسندگان.



۱. مقدمه

نوجوانی^۱، مرحله‌ای از زندگی است که فرد در موقعیتی میانی و برزخی قرار دارد؛ نه دیگر کودک محسوب می‌شود و نه هنوز به کمال بزرگسالی دست یافته است (گریگوریان و همکاران^۲، ۲۰۲۳). دگرگونی‌های شگرف و پرشتابی که در ابعاد جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی رخ می‌دهد، این مرحله را به موقعیتی دوگانه برای رشد بهینه یا زمینه‌ساز آسیب مبدل ساخته است (اهلریچ و همکاران^۳، ۲۰۲۴). در این دوره نوجوان به تدریج از وابستگی به والدین رها شده، زمان بیشتری را در کنار همسالان خود سپری می‌کند و آنان به مرجع اصلی تاثیرگذاری بدل می‌شوند (کاجنیوس و همکاران^۴، ۲۰۲۵). همزمان، رشد کارکردهای شناختی و هیجانی، موجب ارتقای مهارت‌های فردی - اجتماعی و افزایش انعطاف در پذیرش دیدگاه‌های متفاوت می‌شود (خاره و همکاران^۵، ۲۰۲۵). اگرچه این باور عمومی وجود دارد که اکثر افراد از این مرحله پرچالش بدون آسیب جدی عبور می‌کنند (دا و همکاران^۶، ۲۰۲۶)، اما شواهد پژوهشی دهه اخیر حاکی از آن است که بر شمار نوجوانانی که علائم آشفتگی‌های رفتاری یا هیجانی را از خود بروز می‌دهند، به طور فزاینده‌ای افزوده می‌شود. این روند صعودی، در کنار نشانه‌های طبیعی بلوغ، موجب دگرگونی در روابط خانوادگی و اجتماعی آنان می‌گردد (میتینگ و هائو^۷، ۲۰۲۰). نتایج پژوهش‌های بیانگر آنند که بلوغ نوجوان به عنوان یکی از حیاتی‌ترین عوامل استرس‌زا و نقاط عطف در فرآیند تحول خانواده قلمداد می‌شود (لویس و همکاران^۸، ۲۰۲۵). مسائل ناشی از بلوغ و دگرگونی‌های فیزیولوژیک، روان‌شناختی و هیجانی مرتبط با آن، و همچنین تجارب نامساعد دوران کودکی می‌تواند منجر به شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۹ در نوجوانان شود. در نوجوانی، این باورهای عمیق و ناسازگار درباره خود، دیگران و جهان، تحت تأثیر تعامل میان خلق‌وخوی ذاتی نوجوان و محیط ناسازگار (مانند خانواده ناکارآمد، طرد شدن توسط همسالان یا تجارب آسیب‌زا) تثبیت و گسترش می‌یابند (احمدزاده سامانی و همکاران^{۱۰}، ۱۴۰۰). عدم آشنایی والدین با این طرحواره‌ها و بکارگیری شیوه‌های تربیتی ناهماهنگ نیز می‌تواند منجر به تشدید آیین آسیب‌ها در نوجوانان شود (رویان و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۴). چنانکه رابطه بین ابعاد طرحواره‌های شناختی، فرهنگ قالب در خانواده و سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد که والدین می‌توانند اختلالات روان‌شناختی و هیجانی را در فرزند شکل دهند یا باعث رشد و تداوم در طرحواره‌های ناسازگار اولیه شوند (جاگر و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۱). طرحواره‌ها به عنوان چهارچوب‌های شناختی تعریف می‌شوند که وظیفه‌گزینش، رمزگردانی و ارزیابی محرک‌های تأثیرگذار بر فرد را بر عهده دارند (دونده و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۶). این ساختارها در سال‌های نخستین زندگی و اوایل دوره نوجوانی شکل می‌گیرند و به عنوان قالبی برای پردازش کلیه تجربیات زندگی عمل می‌نمایند (کارل - تولموند و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۵). طرحواره‌ها در واقع بازنمایی دانش فرد درباره خود و جهان پیرامون محسوب شده و در چگونگی تفسیر رویدادها توسط افراد نقش ایفا می‌کنند (تریق و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۱). در نتیجه، طرحواره‌ها اگرچه کارکرد شناختی را تسهیل می‌کنند، اما در عین حال می‌توانند به تداوم و استمرار مشکلات روانی بینجامند (چو و همکاران^{۱۶}، ۲۰۲۶).

1. adolescence

2. Grigorian et al.

3. Ehrlich et al.

4. Kajonius et al.

5. Khare et al.

6. Du et al.

7. Meiting, Hua

8. Lewis et al.

9. early maladaptive schema

10. Royen et al.

11. Jaeger et al.

12. Dondé et al.

13. Carle-Toulemonde

14. Tariq et al.

15. Cho et al.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه که با اختلالات هیجانی مرتبط‌اند، در مقایسه با طرحواره‌های افراد بهنجار، از انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار بوده، غیرقابل تغییرتر و عینی‌تر می‌باشند (کارل - تولموند و همکاران، ۲۰۲۵).

هنگامی که به دلایل متنوع و مختلف طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان شکل گرفته باشد، این فرایند سبب تخریب روابط فردی و خانوادگی آنان شده و تعامل والد-فرزندی^۱ را به عنوان یکی از بسترهای ارتباطی اصلی نوجوانان را دستخوش تغییر می‌کند. این فرایند زمانی اهمیتی دوچندان می‌یابد که والدین نیز از وجود طرحواره ناسازگار در فرزند خود آگاهی نداشته و شیوه مواجهه سازگارانه با آن را نیز ندانند (ویرا و همکاران^۲، ۲۰۲۳). این نقش حیاتی از آن رو حائز اهمیت است که خانواده نخستین نهاد اجتماعی‌ای است که نوجوان در آن پرورش یافته و از پشتیبانی مادی و عاطفی والدین و سایر اعضای خانواده بهره‌مند می‌گردد (پوتر و همکاران^۳، ۲۰۲۵). پیوند والد-فرزندی، رابطه‌ای سرنوشت‌ساز برای شکل‌دهی به احساس امنیت و مهرورزی به شمار می‌رود. هرگاه این ارتباط مبتنی بر صمیمیت و حمایت‌گری باشد، این فرصت را برای فرزندان فراهم می‌سازد تا باورها و کارکردهای گوناگون را مورد کاوش قرار دهند (ماستروگیسپ و همکاران^۴، ۲۰۲۶). افزون بر این، کیفیت این مناسبات، زمینه‌ساز استقلال‌یابی فرزندان گردیده و سطوح بالای خوداتکایی، کفایت تحصیلی و عزت‌نفس مطلوب را در ایشان پیش‌بینی می‌نماید (ژائو و همکاران^۵، ۲۰۲۰). چگونگی رابطه والدین با فرزندان، پیوندی تنگاتنگ با کنش‌های نوجوانان و انطباق‌پذیری روان‌شناختی آنان دارد (سان و همکاران^۶، ۲۰۲۰).

با دقت در مفاهیم بیان شده، پژوهش حاضر به شکلی روشن در پی آن است تا با مطالعه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان و مشخص نمودن طرحواره‌های غالب‌تر، بسته‌ای آموزشی (فرزندپروری) تدوین نماید تا طی آن شیوه‌های فرزندپروری و تعاملی را به والدین دارای چنین فرزندان آموخته تا آنان از این رهگذر با شناختی جامع از ویژگی‌های روان‌شناختی و هیجانی فرزند خود بتوانند تعامل سازگارانه‌تری را برقرار نمایند. چنانکه نتایج پژوهش‌های مختلف بیانگر آن است که والدین در راستای بکارگیری فرزندپروری می‌بایست به ویژگی‌های روان‌شناختی فرزند خود توجه داشته و شیوه فرزندپروری را بر آن اساس بنا نهند (کاجنیوس و همکاران^۷، ۲۰۲۵). در یک جمع‌بندی روشن‌گرایانه باید ذکر نمود پژوهش حاضر در نظر دارد برای والدین نوجوانان دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه، بسته فرزندپروری را بر اساس آشنایی و شناخت طرحواره‌های ناسازگار تدوین و بکار گیرد تا بر اساس آن تعامل والد-فرزندی این نوجوانان بهبود یابد.

در مطالعه پیشینه پژوهشی، نتایج پژوهش‌های پیشین همانند پژوهش عطاران و همکاران (۱۴۰۴)، عظیمی و همکاران (۱۴۰۳)، ویدیاواتی و همکاران^۸ (۲۰۲۱)، بوکا و همکاران^۹ (۲۰۲۴) و مولی و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۵) بیانگر آن است که فرزندپروری بهنجار^{۱۱} و متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی کودک و نوجوان می‌تواند از بروز آسیب‌های روانی و هیجانی در فرزندان بکاهد. باورها، نگرش‌ها و کنش‌های والدین که در قالب الگوهای خانوادگی یا روش فرزندپروری متجلی می‌شوند، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری شخصیت و هویت فرزندان و نیز تمایل آنان به سمت کنش‌های پرخطر به شمار می‌آید. به‌گونه‌ای که پرورش در محیط خانوادگی سرشار از محبت و صمیمیت، به طور مستقیم با رشد روانی سالم در دوره نوجوانی مرتبط است (چانگ و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۶). روش فرزندپروری، مجموعه‌ای از رفتارهای اکتسابی است که والدین برای مراقبت، پرورش و تربیت فرزندان خود برمی‌گزینند (ژائو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۵). به عبارت دیگر، فرزندپروری به عنوان مجموعه‌ای از کنش‌های مشخص تعریف

1. Parent-child interaction

2. Vieira et al.

3. Potter et al.

4. Mastrogiospepe et al.

5. Zhao et al.

6. Sun et al.

7. Kajonius et al.

8. Widawati et al.

9. Boca et al.

10. Molloy et al.

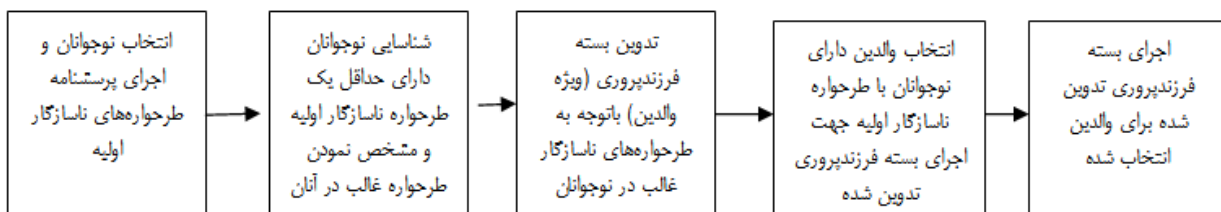
11. normal parenting

12. Chang et al.

13. Zhao et al.

می‌شود که والدین در تعامل با فرزندان خود به کار می‌بندند (یانگ و چن^۱، ۲۰۲۵). این فرآیند، شامل منظومه‌ای از رفتارهای والدینی است که با مسائل رفتاری کودکان و نوجوانان در ارتباط بوده و بر اساس شرایطی که والدین برای تربیت فرزندان خود فراهم می‌کنند، شکل می‌گیرد (نیوفو و همکاران^۲، ۲۰۲۳). روش‌های فرزندپروری بهنجار و سازگارانه به شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که والدین برای پرورش فرزندان خود به کار می‌گیرند و بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های آنان نسبت به فرزندان است (گائو و همکاران^۳، ۲۰۲۴). در مقابل، روش‌های نادرست فرزندپروری به بروز مشکلات و اختلالات رفتاری در فرزندان، عملکرد ضعیف خانوادگی، علائم اضطرابی، اختلالات خواب، نشانه‌های افسردگی، نقص در کارکردهای اجتماعی و همچنین افت عملکرد تحصیلی و رشد شناختی در آنان منجر خواهد شد (کوبین و همکاران^۴، ۲۰۲۵).

در ضرورت انجام پژوهش حاضر باید گفت دوران نوجوانی، دوره‌ای حساس و تعیین‌کننده در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان فرد محسوب می‌شود. در این میان، طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان الگوهای عمیق و ناکارآمد شناختی-هیجانی، نقش بسزایی در بروز آشفتگی‌های روان‌شناختی نوجوانان ایفا می‌کنند (ژیاو و همکاران^۵، ۲۰۲۶). این طرحواره‌ها که ریشه در تجرب اولیه زندگی دارند، می‌توانند کیفیت روابط بین فردی، تصور از خود و سازگاری هیجانی نوجوان را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. از آنجا که این الگوها در بستر خانواده شکل می‌گیرند، نقش نظام فرزندپروری و تعامل والدین به عنوان عاملی کلیدی غیرقابل انکار است. بنابراین، شناسایی طرحواره‌های غالب در نوجوانان، گام اولیه و ضروری برای هرگونه مداخله مؤثر به شمار می‌آید. این شناسایی به درک ریشه‌ای مشکلات به جای پرداختن صرف به علائم سطحی کمک شایانی می‌کند. با این حال، شناسایی محض این طرحواره‌ها بدون ارائه راهکار عملی به والدین، رویکردی ناقص و ناکارآمد خواهد بود. پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعه کاجنیوس و همکاران (۲۰۲۵) بر این امر تأکید دارند که شیوه‌های فرزندپروری می‌بایست مبتنی بر شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی منحصربه‌فرد فرزند باشد. در حال حاضر، شکاف آشکاری در وجود بسته‌های آموزشی نظام‌مند و کاربردی برای راهنمایی والدین نوجوانان دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه احساس می‌شود. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ، ضرورت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد. تدوین و به‌کارگیری یک بسته فرزندپروری ویژه، به والدین می‌آموزد که چگونه با درک عمیق دنیای درونی فرزند خود، تعاملات سازنده و اصلاحی را جایگزین الگوهای ناسازگار گذشته نمایند. در نهایت، این مداخله هدفمند می‌تواند به بهبود کیفیت رابطه والد-فرزندی و در نتیجه، ارتقای سلامت روان نسل آینده بینجامد. بنابراین با توجه به موضوعات و تحقیقات بیان شده و از سوی دیگر با توجه به خلاء پژوهشی موجود (عدم تدوین بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان)، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است: آیا بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان دارای روایی محتوایی مناسب بوده و آیا این بسته بر تعامل والد-فرزندی آنان تاثیر دارد؟



شکل ۱. فلوجارت روند اجرایی پژوهش

۲. روش

1. Yang, Chen
2. Nwufu et al.
3. Guo et al.
4. Qin et al.
5. Xiao

۱-۲. جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش در قسمت کیفی جهت تدوین بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان، تحلیل مضمون بود. روش تحلیل مضمون به کار رفته در این مطالعه بر اساس روش تحلیل مضمون [آتراید-استرلینگ^۱ \(۲۰۰۱\)](#) بود که شناسایی مضامین را به صورت استقرایی و بر اساس رویکرد مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه که مبتنی بر جایگاه و نوع مضامین در شبکه مضامین است، انجام می‌دهد. روش پژوهش در قسمت کمی، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه و مرحله پیگیری دو ماهه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر در قسمت کیفی را دو گروه تشکیل دادند. گروه اول نوجوانانی بودند که با اجرای پرسشنامه، طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در آنان مورد شناسایی قرار گرفت. گروه دوم نیز مقالاتی بودند که در حوزه فرزندپروری منتشر شده بود. لازم به ذکر است که از نتایج اجرای پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بین نوجوانان چهار طرحواره بی‌اعتمادی^۲، معیارهای سرسختانه^۳، محرویت هیجانی^۴ و بازداری هیجانی^۵ دارای بیشترین فراوانی بوده و به عنوان طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان شناسایی شد. این نکته از آن جهت دارای اهمیت است که بسته فرزندپروری با محوریت این طرحواره‌های غالب نگارش شد تا والدین این نوجوانان به این آگاهی دست یابند که چگونه باید با فرزند دارای طرحواره ناسازگار تعامل نمایند. جامعه آماری پژوهش حاضر در قسمت کمی را نوجوانان (۱۳ تا ۱۸ سال) و والدین آنان در منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند. نمونه در بخش کیفی شامل ۴۰۰ نوجوان ۱۳ تا ۱۸ سال بود که در منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران مشغول به تحصیل بوده و به پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه پاسخ دادند تا طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در آنان شناسایی شود. شیوه نمونه‌گیری این نوجوانان نیز به صورت دردسترس بود. همچنین شامل تعداد ۱۸ مقاله حوزه فرزندپروری بود که در جهت تدوین بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان (طرحواره بی‌اعتمادی، معیارهای سرسختانه، محرویت هیجانی و بازداری هیجانی) از آنان استفاده شد. این مقالات از پایگاه داده‌های علمی www.sid.ir و www.sciencedirect.com جستجو و مورد استفاده قرار گرفت. سال انتشار مقالات فارسی برای بعد از ۱۳۹۹ و برای مقالات خارجی بعد ۲۰۱۹ لحاظ شد. معیار انتخاب این مقالات نیز پرداختن به شیوه‌های نوین فرزندپروری و همچنین توجه به ویژگی‌های روانی و هیجانی فرزندان بود. با استفاده از نرم‌افزار G*Power و با در نظر گرفتن سطح خطای ۰/۰۵، توان آماری ۰/۹۵ و اندازه اثر ۰/۹۹، حجم نمونه هر گروه ۲۰ نفر تعیین شد. از جامعه آماری بخش کمی به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج تعداد ۴۰ نفر از نوجوانان انتخاب و به شیوه تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند (۲۰ نوجوان در گروه آزمایش و ۲۰ نوجوان در گروه گواه). شیوه نمونه‌گیری بدین صورت بود که از بین نوجوانانی که در بخش کیفی با اجرای پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، دارای حداقل یک طرحواره ناسازگار بودند، تعداد ۴۰ دانش‌آموز به ترتیب نمره کسب شده در غربالگری پرسشنامه انتخاب و به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جایدهی شدند (۲۰ دانش‌آموز در گروه آزمایش و ۲۰ دانش‌آموز در گروه گواه). سپس از والدین این دانش‌آموزان جهت شرکت در پژوهش دعوت به عمل آمد. در صورت انصراف هر یک از والدین، پژوهشگر والدین حائز شرایط را به پژوهش وارد کرد. پس از آن والدین دانش‌آموزان حاضر در گروه آزمایش مداخلات آموزشی مربوط به بسته آموزشی فرزندپروری را به صورت هفته‌ای یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای دریافت نمودند. در این پژوهش والدین مداخله بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان را دریافت نموده، ولی فرزندان آنان در سه مرحله پیش‌آزمون (قبل از اجرای مداخله برای والدین)، پس‌آزمون (بلافاصله پس از اتمام مداخله برای والدین) و پیگیری (دو ماه پس از اجرای مرحله پس‌آزمون) به پرسشنامه تعامل والد-فرزند پاسخ دادند. این در حالی است که والدین حاضر در گروه گواه هیچگونه مداخله‌ای را در طول پژوهش دریافت نکرده و در انتظار دریافت مداخلات حاضر بودند. پس از اتمام جلسات پس‌آزمون اجرا و برای اطمینان از ثبات نتایج، مرحله پیگیری نیز دو ماه بعد اجرا شد. پس از شروع مداخله تعداد ۲ والد در گروه آزمایش و ۲ والد

1. Attride- Stirling

2. distrust

3. rigid standards

4. emotional detachment

5. emotional inhibition

در گروه گواه از ادامه حضور در پژوهش انصراف دادند. بر این اساس تعداد ۳۶ والد در پژوهش باقی ماندند (۱۸ نفر در گروه آزمایش و ۱۸ نفر در گروه گواه). ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن سن ۵۰-۳۵ سال، حداقل سطح تحصیلات دیپلم، رضایت والدین جهت شرکت فرزند خود در پژوهش، نداشتن بیماری جسمی و روان‌شناختی حاد و مزمن (با توجه به نتایج مصاحبه بالینی کوتاه)، عدم دریافت مداخله روان‌شناختی همزمان و عدم مصرف داروهای روانگردان (با توجه به خوداظهاری فرد) بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل داشتن بیش از سه جلسه غیبت، عدم همکاری و انجام ندادن تکالیف مشخص شده در کلاس، و عدم پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش در یکی از مراحل پس آزمون و یا پیگیری بود.

۲-۲. ابزار سنجش

۲-۲-۱. پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (EMSQ)^۱: پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه که توسط [یانگ^۲](#)

(۱۹۹۸) توسعه یافته، در فرم کوتاه خود مشتمل بر ۷۵ گویه می‌باشد که دارای ۱۵ طرحواره محرومیت هیجانی^۳، رهاشدگی^۴، بی‌اعتمادی^۵، انزوای اجتماعی^۶، نقص و شرم^۷، شکست^۸، بی‌کفایتی^۹، آسیب‌پذیری در برابر بیماری^{۱۰}، خود تحول نیافته^{۱۱}، اطاعت^{۱۲}، ایثار^{۱۳}، بازداری هیجانی^{۱۴}، معیارهای سرسختانه^{۱۵}، بزرگ‌منشی^{۱۶} و خودانضباطی افراطی^{۱۷} می‌باشد. این ابزار خود گزارش‌دهی بر اساس مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از "کاملاً غیر صحیح" (نمره ۱) تا "کاملاً صحیح" (نمره ۶) نمره‌گذاری می‌شود. نمره کلی پرسشنامه از مجموع نمرات حاصل شده و در دامنه ۷۵ تا ۴۵۰ قرار می‌گیرد. بر اساس مطالعات، کسب نمره بالاتر از ۲۶۰ نشان‌دهنده وجود طرحواره‌های ناسازگار اولیه در فرد می‌باشد (صدوقی و آگیلار-وفایی، ۱۳۸۷). پایایی و روایی این پرسشنامه در مطالعات متعدد مورد تأیید قرار گرفته است. [طریق و همکاران^{۱۸} \(۲۰۲۱\)](#) ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های این پرسشنامه را بین ۰/۸۲ تا ۰/۸۹ و ضرایب بازآزمایی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ را در جمعیت غیربالینی گزارش کرده‌اند. همچنین در ایران پایایی این پرسشنامه با روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ ۰/۸۵) و بازآزمایی (۰/۷۶) مورد تأیید قرار داده و روایی سازه مطلوبی را برای استفاده در جامعه ایرانی گزارش نموده است (صدوقی و آگیلار-وفایی، ۱۳۸۷). همچنین [بیداری و همکاران^{۱۹} \(۱۴۰۰\)](#) پایایی زیرمقیاس‌های این پرسشنامه را بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۲ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر، پایایی خرده‌مقیاس‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی، نقص و شرم، شکست، بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر بیماری، خود تحول نیافته، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، بزرگ‌منشی و خودانضباطی افراطی را به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۴، ۰/۷۷، ۰/۸۰، ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۸۳، ۰/۷۷، ۰/۷۹، ۰/۷۸، ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۷۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۲ محاسبه گردید.

1. Early Maladaptive Schema Questionnaire

2. Young

3. emotional deprivation

4. abandonment

5. distrust

6. social isolation

7. imperfection and shame

8. failure

9. inadequacy

10. vulnerability to illness

11. undeveloped self

12. obedience

13. sacrifice,

14. emotional inhibition

15. rigid standards

16. magnanimity

17. extreme self-discipline

18. Tariq et al.

۲-۲-۲. پرسشنامه تعامل والد-فرزند (PCRQ): برای ارزیابی کیفیت رابطه والد-فرزند از پرسشنامه ۲۴ گویه‌ای تعامل والد-فرزند طراحی شده توسط **فاین و همکاران**^۲ (۱۹۸۵) استفاده گردید. این ابزار شامل مؤلفه‌های زیر می‌باشد: عاطفه مثبت^۳ (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۱)، اعتماد و احترام^۴ (گویه‌های ۴، ۱۲ و ۲۰)، خشم^۵ (گویه‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴) و همانندسازی با پدر/مادر^۶ (گویه‌های ۲۳ و ۲۴). نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از "هیچ‌گاه" (نمره ۱) تا "همیشه" (نمره ۷) انجام می‌شود. لازم به ذکر است که گویه‌های مربوط به خشم پایین‌تر خشم می‌باشد. دامنه نمرات کل این پرسشنامه در هر یک از فرم‌های مربوط به پدر و مادر بین ۲۴ تا ۱۶۸ قرار دارد و کسب نمره بالاتر از ۱۰۰ نشان‌دهنده وجود تعامل سازگانه و بهنجار والد-فرزند است (**فاین و همکاران، ۱۹۸۵**). در مورد روایی و پایایی ابزار، **فاین و همکاران** (۱۹۸۵) با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، روایی مطلوب و همبستگی بالا بین گویه‌ها را گزارش نمودند. در مطالعه **شهنی‌بیلاق و همکاران** (۱۳۹۲) که در ایران انجام شد، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای پرسشنامه محاسبه گردید و ضرایب استاندارد در تحلیل عاملی تأییدی برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۴ به دست آمد. **مبینی کشه و همکاران** (۱۴۰۳) نیز پایایی را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه و تأیید گردید.

۲-۳. روند تدوین و اجرای مداخله پژوهش

بخش کیفی پژوهش در دو فاز انجام شد به شرح زیر:

در مرحله اول با انتخاب ۴۰۰ نوجوان ۱۳ تا ۱۸ ساله، پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه اجرا شد. با تحلیل پرسشنامه‌های اجرا شده، طرحواره‌های غالب در نوجوانان شناسایی شد. چهار طرحواره بی‌اعتمادی، معیارهای سرسختانه، محرویت هیجانی و بازداری هیجانی به عنوان طرحواره‌های غالب در نوجوانان احصا شد. سپس مقالات مرتبط با فرزندپروری مورد بررسی دقیق و تحلیل مضمون قرار گرفت. در مرحله دوم مطالب جمع‌آوری شده در مرحله اول، مورد دسته‌بندی (کدبندی) محتوایی قرار گرفته و زیرگروه‌های مفهومی - محتوایی معطوف به نیازها و مسائل هیجانی نوجوانان دارای طرحواره ناسازگار اولیه تشکیل شد. در مرحله سوم زیرگروه‌های مفهومی - محتوایی تشکیل شده در مرحله دوم به ۱۰ حوزه مهارتی مورد نیاز والدین این نوجوانان با بهره‌گیری از مبانی نظری و مولفه‌های تشکیل دهنده فرزندپروری تبدیل شد و در نهایت بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان (بی‌اعتمادی، معیارهای سرسختانه، محرویت هیجانی و بازداری هیجانی) برای والدین بر پایه فنون آموزشی استخراج شده از منابع به صورت اولیه تدوین گردید. در مرحله چهارم بسته آموزشی اولیه فرزندپروری به ۱۵ متخصص روان‌شناسی ارائه و از آنان خواسته شد تا با مطالعه و اظهارنظر راجع به ساختار، فرایند و محتوای هر یک از جلسات در قالب پرسشنامه نظرسنجی که همراه بسته آموزشی تدوین شده و در اختیار هر یک از متخصصان قرار گرفته بود، به تدوین بسته نهایی یاری رسانند. علاوه بر این در این مرحله لازم بود یک فرم اظهارنظر باز پاسخ به منظور ارائه پیشنهادات و نظرات اصلاحی هر یک از متخصصان در جهت ارتقاء محتوا، ساختار و فرایند بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان در اختیار آنها قرار گیرد که این فرایند انجام شد. در مرحله پنجم نظرات تخصصی ۱۵ متخصص بررسی و نظرات اصلاحی آنها درباره بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان انجام و بسته آموزشی نهایی آماده شد. در مرحله ششم بسته تدوین شده همراه با فرم نظرسنجی نهایی و محاسبه ضریب توافق متخصصان

1. Parent-Child Interaction Questionnaire

2. Fine et al.

3. positive emotion

4. trust and respect

5. anger

6. identification with father/mother

درباره فرایند، ساختار و محتوای بسته آموزشی مجدداً به ۱۵ متخصص ارائه شد. در این مرحله در صورتی که کماکان متخصصان نظرات اصلاحی داشتند، به صورت موردی در بسته آموزشی اعمال شد. در این مرحله جهت سنجش روایی درونی بسته آموزشی تدوین شده، ضریب توافق ارزیاب‌ها درباره فرایند، ساختار و محتوای بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان توسط ضریب نسبی اعتبار محتوایی^۱ (CVR) و شاخص روایی محتوایی^۲ (CVI) اندازه‌گیری شد.

جدول ۱: ارزیابی کلی درباره محتوای بسته آموزشی فرزندپروری توسط ۱۵ متخصص حوزه روان‌شناسی

متخصصان	تطابق محتوایی جلسات تنظیم شده با فرایند بسته آموزشی فرزندپروری	تناسب جلسات با ساختار و گام‌های مورد نیاز در بسته آموزشی فرزندپروری	کفایت زمان اختصاص یافته برای گام‌ها و مهارت‌های بسته آموزشی فرزندپروری	کفایت بسته آموزشی فرزندپروری	ارزیابی کلی بسته آموزشی فرزندپروری
اول	۱	۱	۱	۱	۱
دوم	۱	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۱
سوم	۰/۹	۱	۱	۱	۰/۹
چهارم	۱	۰/۸	۰/۹	۱	۱
پنجم	۱	۱	۰/۹	۱	۱
ششم	۱	۰/۸	۰/۸	۰/۹	۰/۹
هفتم	۰/۸	۱	۱	۱	۱
هشتم	۰/۹	۰/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۹
نهم	۱	۰/۸	۱	۱	۰/۹
دهم	۱	۱	۱	۱	۱
یازدهم	۱	۰/۸	۱	۰/۹	۱
دوازدهم	۱	۱	۱	۱	۱
سیزدهم	۱	۰/۹	۰/۷	۰/۹	۰/۹
چهاردهم	۰/۸	۱	۱	۰/۸	۱
پانزدهم	۰/۹	۱	۱	۰/۹	۱
ضریب توافق CVR	۰/۸۴۴	۰/۷۳۲	۰/۶۸۴	۰/۸۳۳	۰/۸۶۶
CVI	۰/۹۴۲	۰/۹۳۲	۰/۹۳۶	۰/۹۳۰	۰/۹۵۲

نتایج جدول ۱ بیانگر آن است که میانگین ضریب نسبی اعتبار محتوایی (CVR) و شاخص روایی محتوایی (CVI) به ترتیب ۰/۷۹۲ و ۰/۹۳۸ به دست آمد. علاوه بر این به منظور اعتبار اجرایی نیز بسته بر روی ۴ والد دارای نوجوان با طرحواره ناسازگار، با طرح مقدماتی با قواعد پیش‌آزمون - پس‌آزمون انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان توانسته موجب تغییر معنادار در میانگین نمرات تعامل والد- فرزند نوجوانان شود. جهت تأثیر نیز به این صورت بود که بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان توانست منجر به افزایش میانگین نمرات تعامل والد- فرزند نوجوانان شود.

در بخش کمی پژوهش، پس از اخذ مجوزهای لازم از آموزش و پرورش منطقه پنج تهران و انجام فرآیند نمونه‌گیری، ۴۰ نوجوان انتخاب شده به روش تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند (۲۰ نوجوان در گروه آزمایش و ۲۰ نوجوان در گروه گواه). سپس والدین نوجوانان گروه آزمایش، مداخلات آموزشی بسته فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب را در قالب ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هفتگی دریافت نمودند، در حالی که والدین گروه گواه در طول این دوره هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. پس از اتمام جلسات آموزشی، مرحله پس‌آزمون بر روی فرزندان والدین حاضر در جلسات مداخله اجرا شد و به منظور بررسی پایداری اثرات، مرحله پیگیری دو ماه پس از پایان مداخله انجام پذیرفت. لازم به ذکر است در طول اجرای پژوهش، ۲ والد از گروه آزمایش و ۲ والد از گروه گواه به دلایل شخصی از ادامه همکاری انصراف دادند که در نهایت

تعداد ۳۶ والد (۱۸ نفر در گروه آزمایش و ۱۸ نفر در گروه گواه) در پژوهش باقی ماندند. برای افزایش انگیزه مشارکت در مطالعه، مزایای آموزشی و درمانی مداخله پیش از آغاز جلسات به صورت کامل برای شرکت‌کنندگان تبیین شد و کلیه مراحل اجرایی مداخله به صورت رایگان در اختیار آنان قرار گرفت.

جدول ۲: خلاصه جلسات بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان (چهار طرحواره بی‌اعتمادی، معیارهای سرسختانه، محرومیت هیجانی و بازداری هیجانی)

موضوع	هدف	محتوای جلسات	تکلیف
جلسه اول: آشنایی با مفهوم طرحواره‌ها و نقش بنیادین والدین	آشنایی والدین با مفهوم طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان الگوهای عمیق فکری و عاطفی، درک نقش رابطه والد-فرزند در شکل‌گیری آنها و شناسایی چهار طرحواره اصلی پژوهش.	معرفی دوره و بیان اهداف کلی. تعریف ساده و قابل درک از طرحواره‌ها با ذکر مثال‌های ملموس از زندگی روزمره. ارائه خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش شما (شیوع چهار طرحواره بی‌اعتمادی، معیارهای سرسختانه، محرومیت هیجانی و بازداری هیجانی). توضیح اینکه چگونه رفتارهای والدینی ناخواسته می‌توانند به شکل‌گیری این طرحواره‌ها دامن بزنند. ایجاد انگیزه برای تغییر و یادگیری مهارت‌های جدید. تأکید بر اینکه این دوره یک فضای یادگیری غیرقضاوتی است.	از والدین خواسته می‌شود در طول هفته، رفتارها یا گفتگوهای را که ممکن است به طور ناخواسته باعث تقویت یکی از این چهار طرحواره در فرزندشان شود، یادداشت کنند (بدون سرزنش خود).
جلسه دوم: مقابله با طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری	درک ریشه‌های طرحواره بی‌اعتمادی و یادگیری مهارت‌های عملی برای ایجاد محیطی امن، قابل پیش‌بینی و قابل اعتماد برای نوجوان.	بررسی ویژگی‌های این طرحواره (ترس از صمیمیت، انتظار خیانت). شناسایی رفتارهای والدینی که بی‌اعتمادی را تقویت می‌کنند (وعده‌های شکسته، نقض حریم خصوصی، تمسخر). آموزش اهمیت "قابل اعتماد بودن" والدین از طریق وفاداری به حرف‌ها و وعده‌ها. تمرین برقراری ارتباط مبتنی بر احترام و صداقت. آموزش مهارت گوش دادن فعال بدون قضاوت برای ایجاد احساس امنیت در نوجوان. نقش حمایت عاطفی در کاهش احساس بی‌اعتمادی.	والدین متعهد می‌شوند حداقل در یک موقعیت این هفته، به وعده خود به فرزندشان (هرچند کوچک) عمل کنند و یک گفتگوی کاملاً بدون قضاوت با او داشته باشند.
جلسه سوم: تعدیل طرحواره‌های "معیارهای سرسختانه و بازداری هیجانی"	کمک به والدین برای تفکیک "پیشبرد تعالی" از "کمال‌گرایی ناسالم" و یادگیری تشویق پیشرفت بدون ایجاد فشار بیش از حد.	توضیح تفاوت بین انگیزه‌بخشی سالم و فشار برای موفقیت. بررسی پیامدهای منفی معیارهای سرسختانه (اضطراب، ترس از شکست، کاهش عزت نفس). معرفی مفهوم "رشد ذهنیت" به جای "ثابت بودن" توانایی‌ها. آموزش نحوه قیدرانی از تلاش به جای فقط نتیجه. کاهش تمرکز بر اشتباهات و افزایش توجه به فرآیند یادگیری. تشویق به لذت بردن از فعالیت‌ها بدون در نظر گرفتن نتیجه نهایی.	والدین باید سه مورد از تلاش‌ها یا پیشرفت‌های کوچک فرزندشان را (حتی اگر منجر به موفقیت کامل نشده) شناسایی و به طور مشخص از او تقدیر کنند.
جلسه چهارم: التیام طرحواره "محرومیت هیجانی"	افزایش حساسیت و پاسخگویی هیجانی والدین به نیازهای عاطفی نوجوان (نیاز به محبت، درک شدن، همدلی و حمایت).	شناسایی سه نوع محرومیت هیجانی: محرومیت از محبت، همدلی و حمایت. آموزش تشخیص نشانه‌های نیاز هیجانی در نوجوان (حتی وقتی به زبان نمی‌آید). تمرین مهارت همدلی کردن به جای دلسوزی یا راه حل دادن سریع. یادگیری زبان عشق نوجوان (لمس، کلام تأییدآمیز، وقت گذاشتن و...). اهمیت در آغوش گرفتن، گوش دادن و تأیید احساسات نوجوان حتی زمانی که با او مخالف هستند.	والدین هر روز یک ارتباط عاطفی هدفمند با نوجوان برقرار کنند (مثلاً پرسیدن "احوال امروزت چطور بود؟" و واقعاً گوش دادن، یا یک در آغوش گرفتن ناگهانی).
جلسه پنجم: رهاسازی "بازداری هیجانی"	کمک به والدین برای ایجاد فضایی امن که در آن نوجوان بتواند احساساتش (حسی منفی مانند غم، ترس و خشم) را بدون ترس از سرزنش ابراز کند.	تعریف بازداری هیجانی و پیامدهای آن (انفجارهای خشم، درون‌ریزی). تفاوت بین "ابراز" سالم خشم و "خشونت". آموزش پذیرش تمام احساسات به عنوان بخشی طبیعی از انسان بودن. تمرین تکنیک‌هایی برای کمک به نوجوان در نامگذاری احساساتش ("به نظر میاد واقعا عصبانی هستی"). خودآشنایی والدین از احساساتشان به عنوان یک الگوی سالم. جلوگیری از جملات سرکوبگر مانند "گریه نکن" یا "اینقدر حساسی نباش".	در یک موقعیت که نوجوان احساسی منفی نشان داد، والدین سعی کنند فقط احساس او را منعکس کنند و یک راه‌حل پیشنهاد ندهند.
جلسه ششم: ارتباط مؤثر و گوش دادن فعال (پل ارتباطی برای همه طرحواره‌ها)	آموزش مهارت‌های اساسی و عملی ارتباطی برای بهبود کیفیت کلی تعامل و مقابله با تمام طرحواره‌ها.	معرفی و تمرین عملی "گوش دادن فعال" (تماس چشمی، زبان بدن باز، خلاصه کردن و انعکاس احساسات). آموزش استفاده از جملات "من محور" به جای "تو محور" (مثلاً "من نگران می‌شم" به جای "تو همیشه دیر می‌کنی"). تمرین مدیریت گفتگوهای دشوار بدون تبدیل شدن به مجادله. تکنیک‌های درخواست مؤثر به جای دستور دادن. نقش سکوت و فضای شخصی در ارتباط.	والدین یک گفتگوی ۱۰ دقیقه‌ای با نوجوان داشته باشند که در آن فقط گوش دهند و بدون قضاوت، حرف‌هایش را منعکس کنند.
	یافتن تعادل بین کنترل و	تفاوت بین حد و مرزهای سمی و سالم. آموزش تدوین قوانین خانوادگی با	والدین و نوجوان با هم یک

موضوع	هدف	محتوای جلسات	تکلیف
جلسه هفتم: تنظیم حد و مرزهای سالم و انعطاف‌پذیر	استقلال، و یادگیری تعیین قوانین واضح، منصفانه و قابل درک بدون ایجاد حس محرومیت یا فشار سرسختانه.	مشارکت خود نوجوان. توضیح منطق پشت هر قانون. تمرین برقراری عواقب منطقی و متناسب به جای تنبیه‌های سخت‌گیرانه. تأکید بر ثبات در اجرای قوانین برای ایجاد احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری. چگونگی انعطاف‌پذیری در شرایط خاص.	قانون خانوادگی را که نیاز به بازبینی دارد، انتخاب کرده و با همفکری یکدیگر آن را بازنویسی کنند.
جلسه هشتم: تقویت عزت نفس و هویت مستقل	کمک به والدین برای پرورش حس کفایت و هویت فردی در نوجوان، که پادزهر قدرتمندی برای تمام طرحواره‌هاست.	معرفی عوامل مؤثر بر عزت نفس در نوجوانی. تفاوت تحسین کلی ("تو خوبی") و تحسین مشخص ("در حل این مسئله خیلی خلاق بودی"). تقویت استقلال و تصمیم‌گیری در نوجوان با دادن حق انتخاب‌های متناسب با سن. اجتناب از برچسب‌زنی و مقایسه مخرب. تشویق به کشف علایق و استعدادها منحصراً به فرد نوجوان.	والدین لیستی از پنج نقطه قوت یا ویژگی مثبت منحصر به فرد فرزندشان تهیه کرده و آن را با او به اشتراک بگذارند.
جلسه نهم: مدیریت تعارض و حل مسئله به صورت مشترک	آموزش الگویی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات که به جای تضعیف رابطه، آن را تقویت کند.	معرفی مدل حل مسئله چندمرحله‌ای: ۱- تعریف مشکل، ۲- بارش فکری راه‌حل‌ها، ۳- ارزیابی راه‌حل‌ها، ۴- انتخاب یک راه‌حل و اجرای آزمایشی، ۵- بازبینی نتیجه. تمرین مذاکره و سازش. تأکید بر اینکه در تعارض، هدف "پیروزی" نیست، بلکه "درک متقابل" است. مدیریت خشم خود والدین در هنگام درگیری.	خانواده یک مشکل کوچک خانوادگی را با استفاده از مدل آموزش داده شده، با هم حل کنند.
جلسه دهم: جمع‌بندی، مرور و برنامه حرکت به جلو	تثبیت یادگیری‌ها، مرور دستاوردها و تدوین یک برنامه عملی برای تداوم رفتارهای جدید در آینده.	مرور خلاصه نکات کلیدی ده جلسه. اشتراک‌گذاری تجارب و موفقیت‌های والدین در طول دوره. شناسایی موقعیت‌های پرچالش آینده و برنامه‌ریزی برای مواجهه مؤثر با آنها. تأکید بر تداوم و ثبات در به‌کارگیری مهارت‌ها. پاسخ به سؤالات پایانی. ارائه منابع مفید برای مطالعه بیشتر (کتاب، مقاله). تقدیر از مشارکت و تعهد والدین.	هر خانواده "منشور رابطه خانوادگی" خود را که شامل ارزش‌ها، قوانین و تعهدات متقابل آنهاست، بنویسد.

۲-۴. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش در بخش کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون شاپیرو ویلک^۱ برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها (حد بهینه بیشتر از ۰/۰۵)، آزمون لوین^۲ برای بررسی برابری واریانس‌ها (بهینه) برای بررسی پیش‌فرض کرویت داده‌های پژوهش از آنالیز مولجی^۳ (حد بهینه بیشتر از ۰/۰۵) و برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل واریانس آمیخته^۴ و آزمون تعقیبی بونفرونو^۵ استفاده شد. نتایج آماری با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS-23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳. یافته‌ها

۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

یافته‌های حاصل از داده‌های دموگرافیک نشان داد که میانگین سن نوجوانان در گروه آزمایش $15/25 \pm 2/36$ و در گروه گواه $16/41 \pm 2/46$ سال بوده است. نتایج تحلیل واریانس بیانگر آن بود که بین میانگین سنی گروه‌های آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود نداشته و نیاز به تفکیک اثر آن در پژوهش حاضر احساس نمی‌شود ($t=-0/76$; $Sig=0/56$). همچنین در گروه آزمایش تعداد ۱۰ نفر (معادل ۵۵/۵۶ درصد) دختر و ۸ نفر (معادل ۴۴/۴۴ درصد) پسر بوده‌اند. در گروه گواه نیز تعداد ۱۱ نفر (معادل ۶۱/۱۱ درصد) دختر و ۷ نفر (معادل ۳۸/۳۹ درصد) پسر بوده‌اند. نتایج تحلیل خی دو بیانگر آن بود که بین فراوانی جنسیت گروه‌های آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود نداشته و نیاز به تفکیک اثر آن در پژوهش حاضر احساس نمی‌شود ($Chi-Square=5/36$; $df=3$; $sig=0/16$).

1. Shapiro-Wilk test
2. Levine test
3. Mauchly's Test
4. Mixed variance analysis
5. Bonferroni follow-up test

۲-۳. شاخص‌های توصیفی

میانگین و انحراف استاندارد تعامل والد-فرزند در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به تفکیک دو گروه آزمایش و گواه، در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار تعامل والد-فرزند در گروه‌های آزمایش و گواه در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

مؤلفه‌ها	گروه‌ها	جنسیت	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نمره کل تعامل والد-فرزند	گروه آزمایش	پسر	۹۲/۱۱	۱۰/۲۵	۱۰۸/۷۷	۱۶/۵۶	۱۰۵/۳۳	۱۳/۲۷
	گروه گواه	دختر	۹۵/۳۳	۱۰/۳۹	۱۱۹/۳۳	۱۵	۱۱۴/۵۵	۱۴/۹۷
عاطفه مثبت	گروه آزمایش	پسر	۹۴/۷۰	۱۳/۴۴	۹۱/۴۰	۱۳/۴۶	۹۳/۲۰	۱۲/۸۰
	گروه گواه	دختر	۹۶/۶۲	۱۲/۶۲	۹۳/۸۷	۱۴/۳۶	۹۵/۵۰	۱۴/۳۴
اعتماد و احترام	گروه آزمایش	پسر	۵۵	۶/۳۴	۶۴	۷/۵۱	۶۲/۵۵	۶/۱۴
	گروه گواه	دختر	۵۷/۳۳	۷/۴۵	۷۱	۷/۷۹	۶۹/۲۲	۷/۵۰
زیرمقیاس‌های تعامل والد-فرزند	گروه آزمایش	پسر	۵۶/۲۰	۷/۳۷	۵۴/۴۰	۷/۹۵	۵۵/۵۰	۶/۲۲
	گروه گواه	دختر	۵۷/۵۰	۷/۷۴	۵۶/۶۲	۶/۷۹	۵۷/۱۲	۷/۷۷
خشم	گروه آزمایش	پسر	۱۳/۶۶	۲/۲۹	۱۶/۵۵	۳/۴۳	۱۵/۶۶	۳/۶۹
	گروه گواه	دختر	۱۳/۴۴	۲/۵۸	۱۶/۷۷	۲/۶۴	۱۵/۸۸	۲/۵۳
هماندسازی با والد	گروه آزمایش	پسر	۱۳/۵۰	۳/۱۷	۱۲/۹۰	۲/۰۲	۱۳/۳۰	۲/۷۶
	گروه گواه	دختر	۱۳/۵۰	۲/۳۹	۱۲/۵۰	۲/۸۵	۱۳	۲/۸۵
	گروه آزمایش	پسر	۱۵/۴۴	۲/۱۲	۱۸	۳/۸۰	۱۷/۴۴	۲/۵۸
	گروه گواه	دختر	۱۵/۲۲	۲/۰۴	۱۸/۸۸	۳/۰۱	۱۷/۶۶	۲/۵۹
	گروه آزمایش	پسر	۱۵/۱۰	۲/۷۶	۱۵/۱۰	۲/۹۱	۱۴/۷۰	۲/۵۶
	گروه گواه	دختر	۱۶/۷۵	۲/۹۸	۱۶	۲/۳۲	۱۶/۳۷	۲/۲۶
	گروه آزمایش	پسر	۸	۱/۹۳	۱۰/۲۲	۲/۵۹	۹/۶۶	۲/۷۳
	گروه گواه	دختر	۹/۳۳	۱/۸۷	۱۲/۶۶	۲/۴۴	۱۱/۷۷	۲/۳۳
	گروه آزمایش	پسر	۹/۹۰	۲/۵۹	۹/۴۰	۲/۸۹	۹/۴۰	۲/۰۱
	گروه گواه	دختر	۸/۸۷	۱/۷۲	۸/۷۵	۱/۶۶	۹	۱/۵۱

نتایج ارائه شده در جدول ۳ حاکی از آن است که بسته آموزشی فرزندپروری توانسته منجر به تغییر در میانگین نمرات تعامل والد-فرزند نوجوانان در مراحل پس‌آزمون و پیگیری شود، اما معناداری این تغییرات می‌بایست توسط آزمون‌های استنباطی مورد بررسی قرار گیرد. جهت تاثیر نیز به این صورت بوده است که بسته آموزشی فرزندپروری توانسته بودند منجر به افزایش تعامل والد-فرزند نوجوانان در مراحل پس‌آزمون و پیگیری شوند.

۳-۳. بررسی پیش‌فرض‌های آزمون پارامتریک

قبل از ارائه نتایج تحلیل واریانس آمیخته، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک متغیرها

جدول ۴-۱. پیش‌فرض نرمالیتی (آزمون شاپیرو ویلک)

متغیرها	گروه	آماره	درجه آزادی	معناداری
تعامل والد-فرزند	گروه آزمایش	۰/۹۴	۲۶	۰/۲۹
	گروه گواه	۰/۹۴	۲۶	۰/۴۱
عاطفه مثبت	گروه آزمایش	۰/۹۷	۲۶	۰/۸۳
	گروه گواه	۰/۹۶	۲۶	۰/۷۴

اعتماد و احترام	گروه آزمایش	۰/۹۷	۲۶	۰/۸۲
	گروه آزمایش	۰/۹۷	۲۶	۰/۹۰
خشم	گروه آزمایش	۰/۹۵	۲۶	۰/۴۲
	گروه آزمایش	۰/۹۶	۲۶	۰/۶۴
هماندسازی با والد	گروه آزمایش	۰/۹۳	۲۶	۰/۲۱
	گروه آزمایش	۰/۹۲	۲۶	۰/۱۷

جدول ۴-۲. پیش فرض همگنی واریانس (آزمون لوین)

متغیرها	F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	معناداری
تعامل والد-فرزند	۲/۰۲	۱	۵۰	۰/۱۴
عاطفه مثبت	۰/۸۱	۱	۵۰	۰/۴۴
اعتماد و احترام	۰/۶۲	۱	۵۰	۰/۵۳
خشم	۲/۴۴	۱	۵۰	۰/۰۹
هماندسازی با والد	۱/۲۶	۱	۵۰	۰/۲۱

جدول ۴-۳. پیش فرض کرویت داده‌ها (آزمون موچلی)

متغیرها	آزمون موچلی	مجذور تقریبی خی	درجه آزادی	مقدار معناداری
تعامل والد-فرزند	۰/۹۳	۱/۱۴	۲	۰/۴۸۱
عاطفه مثبت	۰/۸۰	۵/۱۸	۲	۰/۰۷۳
اعتماد و احترام	۰/۸۱	۴/۸۲	۲	۰/۰۹۴
خشم	۰/۸۶	۱/۳۲	۲	۰/۳۲۴
هماندسازی با والد	۰/۹۰	۱/۲۱	۲	۰/۳۶

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۴ یافته‌های حاصل از اجرای آزمون شاپیرو-ویلک نشان دهنده برقراری پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها در کلیه متغیرهای وابسته پژوهش شامل تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و هماندسازی با والد بود. همچنین به منظور بررسی پیش فرض همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که عدم معناداری آماری نتایج این آزمون حاکی از محقق شدن شرط همگنی واریانس برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه از جمله تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و هماندسازی با والد می‌باشد. این در حالی است که نتایج حاصل از اجرای آزمون موچلی نیز تأیید کرد که پیش فرض کرویت داده‌ها به طور کامل برای همه متغیرهای وابسته پژوهش شامل تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و هماندسازی با والد رعایت شده است.

۴-۳. آزمون فرضیه‌ها

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس آمیخته جهت بررسی تأثیرات درون و بین گروهی تأثیر بسته آموزشی فرزندپروری بر تعامل والد-فرزند و زیرمقیاس‌های آن در نوجوانان

توان آزمون	اندازه اثر	p مقدار	f مقدار	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	متغیرها
۱	۰/۵۴	۰/۰۰۰۱	۳۷/۲۰	۷۸۶/۵۳	۲	۱۵۷۳/۰۶	زمان
۱	۰/۴۶	۰/۰۰۰۱	۳۲/۳۲	۳۷۶۸/۹۲	۱	۳۷۶۸/۹۲	تعامل والد-عضویت گروهی
۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۲۸	۱/۱۹	۶۵۷/۴۵		۶۵۷/۴۵	فرزند-اثر جنسیت
۱	۰/۶۶	۰/۰۰۰۱	۶۲/۵۴	۱۳۲۲/۲۲	۲	۲۶۴۴/۴۵	تعامل زمان و گروه
۰/۳۷	۰/۰۵	۰/۱۶	۱/۸۵	۳۹/۱۵	۲	۷۸/۳۰	تعامل زمان و جنسیت
۰/۲۹	۰/۰۴	۰/۲۵	۱/۳۹	۲۹/۴۴	۲	۵۸/۸۸	تعامل زمان، گروه و جنسیت
۱	۰/۴۸	۰/۰۰۰۱	۲۷/۳۹	۲۷۵/۶۷	۲	۵۵۱/۳۵	زمان
۱	۰/۴۳	۰/۰۰۰۱	۲۵/۱۵	۱۳۴۴/۰۸	۱	۱۳۴۴/۰۸	عاطفه-عضویت گروهی
۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۴۱	۰/۶۸	۳۳۳/۴۰	۱	۳۳۳/۴۰	مثبت-اثر جنسیت

۱	۰/۵۷	۰/۰۰۰۱	۴۳/۱۳	۴۰۴/۹۰	۲	۸۰۹/۸۱	تعامل زمان و گروه	
۰/۴۲	۰/۰۶	۰/۱۲	۲/۱۳	۲۰/۰۶	۲	۴۰/۱۲	تعامل زمان و جنسیت	
۰/۲۵	۰/۰۶	۰/۳۱	۱/۱۹	۱۱/۲۳	۲	۲۲/۴۶	تعامل زمان، گروه و جنسیت	
۱	۰/۳۸	۰/۰۰۰۱	۱۹/۴۱	۱۳/۴۷	۲	۲۶/۹۵	زمان	
۱	۰/۴۲	۰/۰۰۱	۳۴/۳۳	۱۳۱/۱۲	۱	۱۳۱/۱۲	عضویت گروهی	اعتماد و
۰/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۹۰	۰/۰۱	۰/۱۷	۱	۰/۱۷	اثر جنسیت	احترام
۱	۰/۶۱	۰/۰۰۰۱	۵۰/۹۰	۳۵/۳۳	۲	۷۰/۶۷	تعامل زمان و گروه	
۰/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۹۲	۰/۰۲	۰/۰۱	۲	۰/۰۲	تعامل زمان و جنسیت	
۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۵۰	۰/۶۸	۰/۴۷	۲	۰/۹۵	تعامل زمان، گروه و جنسیت	
۱	۰/۳۶	۰/۰۰۰۱	۱۸/۳۱	۱۵/۹۱	۲	۳۱/۸۲	زمان	
۱	۰/۳۷	۰/۰۰۰۱	۲۲/۲۱	۶۳/۷۸	۱	۶۳/۷۸	عضویت گروهی	خشم
۰/۲۵	۰/۰۵	۰/۱۹	۱/۷۷	۲۰/۲۶	۱	۲۰/۲۶	اثر جنسیت	
۱	۰/۵۳	۰/۰۰۰۱	۳۶/۲۶	۳۱/۵۱	۲	۶۳/۰۳	تعامل زمان و گروه	
۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۶۶	۰/۴۱	۰/۳۵	۲	۰/۷۱	تعامل زمان و جنسیت	
۰/۲۸	۰/۰۴	۰/۲۶	۱/۳۷	۱/۱۹	۲	۲/۳۸	تعامل زمان، گروه و جنسیت	
۱	۰/۴۵	۰/۰۰۰۱	۲۶/۵۱	۱۴/۷۹	۲	۲۹/۵۸	زمان	
۱	۰/۳۶	۰/۰۰۰۱	۲۱/۱۹	۵۸	۱	۵۸	عضویت گروهی	هماندسازی
۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۳۷	۰/۸۱	۱۰/۸۴	۱	۱۰/۸۴	اثر جنسیت	با والد
۱	۰/۵۶	۰/۰۰۰۱	۴۰/۸۷	۲۲/۸۰	۲	۴۵/۶۱	تعامل زمان و گروه	
۰/۴۲	۰/۰۸	۰/۰۷	۲/۷۹	۱/۵۶	۲	۳/۱۱	تعامل زمان و جنسیت	
۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۵۵	۰/۶۰	۰/۳۳	۲	۰/۶۷	تعامل زمان، گروه و جنسیت	

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول ۵ نتایج حاصل از تحلیل واریانس آمیخته نشان می‌دهد که با توجه به مقادیر F محاسبه شده، عامل زمان (مرحله ارزیابی شامل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) تأثیر معناداری بر نمرات متغیرهای وابسته پژوهش شامل تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و همانندسازی با والد داشته است. محاسبه اندازه اثر نشان می‌دهد که عامل زمان به ترتیب ۵۴ درصد، ۴۸ درصد، ۳۸ درصد، ۳۶ درصد و ۳۶ درصد از واریانس نمرات متغیرهای تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و همانندسازی با والد را تبیین می‌کند. علاوه بر این، با استناد به مقادیر F به دست آمده، اثر عامل گروهی (دریافت بسته آموزشی فرزندپروری) نیز بر تمام متغیرهای وابسته شامل تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و همانندسازی با والد معنادار گزارش شده است که به ترتیب ۴۶ درصد، ۴۳ درصد، ۴۲ درصد، ۳۷ درصد و ۳۶ درصد از تغییرپذیری نمرات این متغیرها را تبیین می‌نماید. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که اثر تعاملی بین مداخله (بسته آموزشی فرزندپروری) و عامل زمان نیز بر تمامی متغیرهای وابسته پژوهش شامل تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و همانندسازی با والد معنادار بوده و به ترتیب ۶۶ درصد، ۵۷ درصد، ۶۱ درصد، ۵۳ درصد و ۵۶ درصد از تغییرات نمرات این متغیرها را تبیین می‌کند. لازم به ذکر است که عامل جنسیت و تعامل آن با مراحل و اثر گروه (دریافت بسته آموزشی فرزندپروری) معنادار نبوده و این یافته بدان معناست که اثر جنسیت بر نتایج پژوهش اثری معنادار نمی‌باشد. دستیابی به توان آماری ۱۰۰ درصد نیز نشان دهنده دقت آماری مطلوب و کفایت حجم نمونه برای بررسی اثرات تعاملی گروه و زمان بر متغیرهای وابسته پژوهش می‌باشد. در ادامه تحلیل‌های استنباطی، جدول ۶ به ارائه نتایج حاصل از مقایسه‌های زوجی نمرات متغیرهای وابسته در مراحل مختلف ارزیابی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی می‌پردازد.

جدول ۶: مقایسه زوجی میانگین نمرات تعامل والد-فرزند و زیرمقیاس‌های آن در آزمودنی‌ها بر حسب مرحله ارزیابی با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی

متغیرها	مرحله مبنا	مرحله مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف	معناداری
	(میانگین)	(میانگین)			معیار

پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری	۸/۶۴	۱/۴۶	۰/۰۰۰۱
تعامل والد	پیگیری	۷/۴۴	۱/۱۳	۰/۰۰۰۱	
پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۸/۶۴	۱/۴۶	۰/۰۰۰۱	فرزندی
پیگیری	۱/۱۹	۰/۴۷	۰/۰۹		
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۴/۹۷	۰/۹۱	۰/۰۰۰۱	
پیگیری	۴/۵۸	۰/۸۲	۰/۰۰۰۱		عاطفه مثبت
پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۴/۹۷	۰/۹۱	۰/۰۰۰۱	
پیگیری	۰/۳۹	۰/۳۴	۰/۷۷		
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۱/۱۶	۰/۲۵	۰/۰۰۰۱	
پیگیری	۰/۹۴	۰/۱۸	۰/۰۰۰۱		اعتماد و احترام
پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱/۱۶	۰/۲۵	۰/۰۰۰۱	
پیگیری	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۱۸		
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۱/۳۷	۰/۳۹	۰/۰۰۰۱	
پیگیری	۱	۰/۱۸	۰/۰۰۰۱		خشم
پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱/۳۷	۰/۳۹	۰/۰۰۰۱	
پیگیری	۰/۲۷	۰/۱۵	۰/۱۹		
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۱/۲۲	۰/۲۳	۰/۰۰۰۱	
پیگیری	۰/۹۲	۰/۱۶	۰/۰۱۵		هماندسازی با
پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱/۲۲	۰/۲۳	۰/۰۰۰۱	والد
پیگیری	۰/۳۰	۰/۱۳	۰/۰۸		

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول ۶، نتایج حاصل از اجرای آزمون تعقیبی بونفرونی نشان می‌دهد که نمرات کلیه متغیرهای وابسته پژوهش شامل تعامل والد-فرزند، عاطفه مثبت، اعتماد و احترام، خشم و همانندسازی با والد نوجوانان در مراحل پس‌آزمون و پیگیری در مقایسه با مرحله پیش‌آزمون دارای تفاوت آماری معناداری می‌باشد. این یافته حاکی از آن است که مداخله اجراشده در قالب بسته آموزشی فرزندپروری توانسته است میانگین نمرات کلیه متغیرهای وابسته پژوهش را در دو مرحله زمانی پس از مداخله (پس‌آزمون و پیگیری) در مقایسه با مرحله پایه (پیش‌آزمون) به صورت معناداری تغییر دهد. با این وجود، مقایسه‌های زوجی بین دو مرحله پس‌آزمون و پیگیری حاکی از عدم وجود تفاوت آماری معنادار بین این دو مرحله ارزیابی می‌باشد که این امر نشان‌دهنده ماندگاری اثرات مداخله آموزشی در طول زمان و پایداری تغییرات ایجادشده در متغیرهای وابسته پژوهش تا مرحله پیگیری دو ماهه می‌باشد.

۴. بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش تدوین بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان و بررسی اثربخشی آن بر تعامل والد-فرزند بود. نتایج نشان داد که چهار طرحواره بی‌اعتمادی، معیارهای سرسختانه، محرویت هیجانی و بازداری هیجانی در نوجوانان دارای بیشترین فروانی بود که بسته آموزشی فرزندپروری حول این طرحواره‌ها تدوین گردید. همچنین نتایج نشان داد بسته آموزشی فرزندپروری تدوین شده دارای روایی محتوایی کافی بوده و بر تعامل والد-فرزند نوجوانان نیز تأثیر معنادار داشته است. بسته آموزشی فرزندپروری حاضر برای نوجوانان دارای طرحواره ناسازگار اولیه نخستین بار در پژوهش کنونی تدوین شده است؛ بنا به پژوهش‌ها و مطالعات پژوهشگر تا جایی که بررسی شده است، پژوهشی کاملاً موافق با تحقیق حاضر یافت نگردید. اما یافته حاضر مبنی اثربخشی بسته آموزشی فرزندپروری بر تعامل والد-فرزند نوجوانان به شکل کلی با نتایج پیشین همسویی داشت. چنانکه [عطاران و همکاران \(۱۴۰۴\)](#) نشان دادند آموزش فرزندپروری بر بهبود رابطه مادر-کودک موثر است. همچنین [عظیمی و همکاران \(۱۴۰۳\)](#) دریافتند آموزش روش فرزندپروری منجر به کاهش رفتارهای مخل و مخرب و افزایش خودکنترلی و دلبستگی دانش‌آموزان دختر می‌شود. علاوه بر این [بوکا و همکاران \(۲۰۲۴\)](#) اثر کوتاه مدت و بلند مدت شیوه فرزندپروری بهنجار بر کاهش مشکلات رفتاری فرزندان را مورد ارزیابی و تایید قرار دادند. در نهایت [مولی و همکاران](#)

(۲۰۲۵) در جامعه استرالیا گزارش کردند که روش فرزندپروری سازگاران بر بهبود مهارت‌های رفتاری، تعاملی و هیجانی فرزندان با مشکلات هیجانی موثر است.

در تبیین یافته حاضر باید گفت می‌توان بیان نمود که این بسته آموزشی با هدف قرار دادن مستقیم چهار طرحواره ناسازگار اولیه، بهبود تعامل والد-فرزندی را از مسیر بازآموزی هیجانی و تنظیم عاطفی امکان‌پذیر ساخته است. با آموزش والدین برای عمل کردن به عنوان تنظیم‌گران هیجانی خارجی، محیط امنی برای نوجوانان ایجاد شد که امکان تعدیل حالت‌های برانگیختگی هیجانی را فراهم کرد. کاهش تعارضات و افزایش احساس امنیت در رابطه، پیامد مستقیم این مکانیسم بود. این فرآیند با تأکید بر پاسخگویی مستمر و همدلانه به نیازهای هیجانی نوجوانان تقویت شد. در نتیجه، فضای عاطفی خانواده به سمت آرامش بیشتر و ارتباط عمیق‌تر سوق یافت. این تغییرات مثبت، بنیان محکمی برای تعاملات سالم‌تر فراهم آورد. علاوه بر این تمرکز ویژه بر طرحواره بی‌اعتمادی از طریق تأکید بر قابلیت اعتماد بودن و گوش دادن فعال، منجر به ایجاد ایمنی روان‌شناختی در محیط خانواده شد. هنگامی که نوجوانان باور کردند می‌توانند بدون ترس از قضاوت یا تنبیه، افکار و احساسات خود را ابراز کنند، تمایل آنان برای درگیری در ارتباط باز افزایش یافت. این ایمنی روان‌شناختی شرط لازم برای شکل‌گیری تعاملات صادقانه و شفاف است. والدین با پایبندی به وعده‌ها و احترام به حریم خصوصی، اعتماد از دست رفته را ترمیم کردند. در چنین فضایی، نوجوانان احساس امنیت کرده و آمادگی بیشتری برای مشارکت در تعاملات خانوادگی پیدا کردند.

در تبیینی دیگر باید گفت مداخله حاضر، طرحواره معیارهای سرسختانه و باورهای ناسازگار والدین درباره موفقیت را مورد هدف قرار داد. با جایگزینی کمال‌گرایی با "رشد ذهنیت"، فشار هیجانی بر نوجوانان کاهش یافت. این تغییر شناختی، تعاملات را از حالت ارزیاب-ارزیابی‌شونده خارج کرد و به رابطه‌ای حامی‌گراانه تبدیل نمود. والدین آموختند به جای تمرکز صرف بر نتایج، بر تلاش و پیشرفت‌های کوچک تأکید کنند. این رویکرد جدید، عزت نفس نوجوانان را تقویت کرده و فضای مناسبی برای رشد فراهم کرد. در نتیجه، تعاملات خانوادگی از حالت قضاوت‌گرایانه به سوی پذیرش و حمایت حرکت کرد. علاوه بر این جلسات مربوط به محرومیت هیجانی، حساسیت و پاسخگویی عاطفی والدین را افزایش داد. با یادگیری تشخیص و پاسخ به نیازهای عاطفی نوجوان، والدین توانستند شکاف عاطفی موجود را پر کنند. این پاسخگویی به موقع، احساس دیده شدن و درک شدن را در نوجوانان تقویت کرد. برآورده شدن نیازهای اساسی عاطفی، بنیان ارتباطی محکمی بین والدین و نوجوانان ایجاد نمود. در چنین شرایطی، نوجوانان تمایل بیشتری برای مشارکت در تعاملات خانوادگی از خود نشان دادند. این فرآیند حلقه‌ی مثبتی از توجه و پاسخگویی متقابل را در روابط ایجاد کرد. در تبیینی تکمیلی باید بیان نمود آموزش مهارت‌های ارتباطی مانند گوش دادن فعال و جملات من-محور، الگوهای ارتباطی خانواده را متحول ساخت. والدین با به کارگیری این مهارت‌ها، مدل‌های رفتاری جدیدی برای نوجوانان ارائه دادند. از طریق یادگیری اجتماعی، نوجوانان این الگوهای سالم را درونی‌سازی کرده و در تعاملات خود به کار بستند. این چرخه مثبت، کیفیت کلی ارتباطات خانوادگی را ارتقا داد. کاهش سوءتفاهم‌ها و تعارضات، محیط خانواده را به فضایی امن برای گفت‌وگوی آزاد تبدیل کرد. در نتیجه، همه اعضای خانواده احساس بهتری از بودن در کنار یکدیگر تجربه کردند. همچنین تنظیم حد و مرزهای سالم و انعطاف‌پذیر نیز تعادل جدیدی بین استقلال و کنترل ایجاد کرد. با مشارکت نوجوانان در تعیین قوانین خانوادگی، احساس عاملیت و مسئولیت‌پذیری در آنان تقویت شد. این رویکرد دموکراتیک، از بروز بسیاری از تعارضات پیشگیری کرده و احترام متقابل را نهادینه ساخت. قوانین واضح و منصفانه، احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری را برای نوجوانان به ارمغان آورد. در چنین ساختار شفاف، زمینه برای تعاملات سازنده فراهم شد. این فرآیند همکاری متقابل، اعتماد و احترام بین نسل‌ها را عمیق‌تر کرد. در مجموع، این بسته آموزشی با ایجاد تغییر پارادایم در نقش والدین - از کنترل‌گر به حامی و تنظیم‌گر هیجانی - بستر لازم برای تعامل عمیق و رشددهنده را فراهم آورد. بهبود تعامل والد-فرزندی نه تنها به عنوان یک دستاورد ارزشمند محسوب می‌شود، بلکه عاملی پیشگیرانه در تداوم چرخه انتقال طرحواره‌های ناسازگار به نسل‌های آینده است. این مداخله با تأثیر بر سطوح شناختی، هیجانی و رفتاری، تغییرات پایدار در سیستم خانوادگی ایجاد کرده است. چنین تغییراتی، روابط خانوادگی را در برابر چالش‌های آینده مقاوم‌تر ساخته است. در نهایت، این موفقیت نشان می‌دهد مداخلات هدفمند بر اساس طرحواره‌های خاص می‌تواند تأثیر عمیقی بر دینامیک روابط خانوادگی داشته باشد.

مطالعه حاضر نیز مانند سایر مطالعات دارای محدودیت‌هایی است. محدود بودن جامعه پژوهش به نوجوانان منطقه ۵ شهر تهران اولین محدودیت این پژوهش بود. همچنین در این پژوهش شرایط روانی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و تحصیلی والدین این نوجوانان نیز مورد سنجش و کنترل قرار نگرفت. علاوه بر این با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده نشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش تعمیم‌پذیری نتایج، در سطح طرح پیشنهادی پژوهشی، این پژوهش در دیگر شهرها، پایش شرایط روانی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و تحصیلی والدین نوجوانان حاضر در پژوهش و بکارگیری شیوه نمونه‌گیری تصادفی انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی دیگر نوجوانان همانند دارای اختلال رفتار درونی و برونی‌سازی شده، نوجوانان دارای گرایش به مصرف مواد، نوجوانان دچار بدتنظیمی هیجانی و ... نیز انجام شود تا غنای پژوهشی بیشتری درباره بسته تدوین شده ایجاد گردد. با توجه به اثربخشی بسته آموزشی فرزندپروری بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالب در نوجوانان بر تعامل والد-فرزندی، در سطح عملی، پیشنهاد می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش (به خصوص معاونت پرورشی ادارات) با فعال کردن مشاوران و متخصصان مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی سازمان آموزش و پرورش و همچنین بکارگیری روان‌شناسان خبره حوزه نوجوان و با بکارگیری بسته آموزشی فرزندپروری تدوین شده نسبت به بهبود تعامل والد-فرزندی نوجوانان اقدام نمایند تا بدین طریق بتوان بر بهبود عملکرد فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان نیز تاثیر گذاشت.

۵. ملاحظات اخلاقی

جهت رعایت اخلاق پژوهشی رضایت نوجوانان و والدین آنان برای شرکت در پژوهش حاضر کسب شد. همچنین نوجوانان حاضر در گروه آزمایش از کلیه مراحل انجام بسته آموزشی فرزندپروری تدوین شده آگاه شدند. همچنین به والدین نوجوانان حاضر در گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرایند پژوهشی، در صورت تمایل این مداخلات را به شکل رایگان دریافت خواهند کرد. علاوه بر این به نوجوانان و والدین آنان در هر دو گروه آزمایش و گواه اطمینان داده شد که اطلاعات آنها محرمانه باقی می‌ماند و نیازی به نوشتن مشخصات شخصی نیست. ضمناً کل فرایند اجرای مداخله نیز به صورت رایگان در اختیار والدین قرار گرفت. پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.IAU.CTB.REC.1404.167 در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ثبت گردیده است.

۶. تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی بود. بدین وسیله از تمام نوجوانان حاضر در پژوهش، خانواده‌های آنان و مسئولین آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران که همکاری کاملی جهت اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به عمل می‌آید.

۷. حمایت مالی

هیچ سازمان دولتی و خصوصی از این پژوهش حمایت مالی نکرده است.

۸. تعارض منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

احمدزاده سامانی، س.، دهقانی، ا.، کلانتری، م.، و رضایی دهنوی، ص. (۱۴۰۰). اثربخشی طرحواره‌درمانی بر تحمل پریشانی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه. فصلنامه روان‌شناسی افراد/استثنایی، ۱۱ (۴۳)، ۸۷-۱۱۶.

<https://doi.org/10.22054/jpe.2021.57328.2259>

بیداری، ف.، امیرفخرایی، آ.، زارعی، ا.، و کرامتی، ک. (۱۴۰۰). اثربخشی طرحواره‌درمانی بر باورهای غیرمنطقی و خودتنظیمی هیجانی زنان دارای تعارض زناشویی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه. *فصلنامه دستاوردهای روان‌شناختی*، ۲۸ (۲)، ۲۴۱-۲۶۴.

<https://doi.org/10.22055/psy.2021.35143.2602>

شهنی بیلاق، م.، عزیزی مهر، ا.، و مکتبی، غ. م. (۱۳۹۲). رابطه علی تعارض آشکار و تعارض نهان بین والدین با عملکرد تحصیلی با میانجی‌گیری رابطه والد فرزند، رفتار ضداجتماعی و افسردگی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲ (۳)، ۱-۱۶.

https://jac.scu.ac.ir/article_10669.html

صدوقی، ز.، و آگیلار-وفایی، م. (۱۳۸۷). تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۲)، ۲۱۹-۲۱۴.

<http://ijpcp.iuums.ac.ir/article-1-474-fa.html>

عطاران، ن.، مظفری، م.، قربان جهرمی، ر.، و امینی منش، س. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت و فرزندپروری مبتنی بر ذهنی‌سازی بر بهبود رابطه مادر-کودک. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۳ (۱۴۳)، ۷۸-۵۹.

<http://psychologicalscience.ir/article-1-2460-fa.html>

عظیمی، و.، قربان جهرمی، ر.، و ابوالمعالی، خ. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش روش فرزندپروری مثبت‌گرا بر رفتارهای مخل و مخرب و خودکنترلی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم دبستان. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۵ (۲)، ۳۵۲-۳۳۷.

<https://doi.org/10.22059/japr.2024.344181.644296>

مبینی کشه، ف.، جدیدی، م.، و پورسید آقایی، ز. (۱۴۰۳). اثربخشی فرزندپروری مثبت‌گرا بر تعامل والد-فرزند و تکانشگری دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری-هیجانی برونی‌سازی شده. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، مقالات آماده انتشار.

<https://doi.org/10.22059/japr.2024.373694.644878>

References

- Ahmadzadeh Samani, S., Dehghani, A., Kalantari, M., & Rezaee Dehnavi, S. (2021). The effectiveness of schema therapy on distress tolerance and psychological flexibility of female students with early maladaptive schemas. *Quarterly Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, 11(43), 87-116. <https://doi.org/10.22054/qje.2021.57328.2259> (In Persian)
- Attaran, N., Mozaffari, M., Ghorban Jahromi, R., & Amini Manesh, S. (2024). The efficacy of positive parenting training and parenting based on mentalization on improving the mother-child relationship. *Journal of Psychological Sciences*, 23(143), 59-78. <http://psychologicalscience.ir/article-1-2460-en.html> (In Persian)
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic Tool for Qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Azimi, V., Ghorban Jahromi, R., & Abolmaali, Kh. (2024). Efficacy of positivist parenting method training on disruptive, destructive and self-control behaviors in fifth-grade primary school female students. *Journal of Applied Psychological Research*, 15(2), 337-352. <https://doi.org/10.22059/japr.2024.344181.644296> (In Persian)
- Bidari, F., Amirfakhraei, A., & Zarei, E. (2021). Effectiveness of schema therapy on the irrational beliefs and emotional self-regulation of the women with marital conflict with early maladaptive schemata. *Psychological Achievements*, 28(2), 241-264. <https://doi.org/10.22055/psy.2021.35143.2602> (In Persian)
- Boca, D. D., Pronzato, C. D., & Schiavon, L. (2024). The impact evaluation of short repeated programs: The case of parenting skills programs. *Evaluation and Program Planning*, 106, 1024-1029. <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2024.102476>
- Carle-Toulemonde, G., Houot, M., Roze, E., Mesrati, F., Gendre, T., Levy, R., Degos, B., & Garcin, B. (2025). Early maladaptive schemas in functional movement disorders: A cross-sectional study. *Journal of Psychosomatic Research*, 196, 1123-1128. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2025.112348>
- Chang, S., He, X., Cui, X., Wu, J., Zhu, L. (2026). Combined maternal and paternal parenting styles in childhood and trajectories of depression in older Chinese adults: a 10-year longitudinal study. *Journal of Affective Disorders*, 395(part A), 1206-1209. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2025.120668>
- Cho, M., Park, C., Lee, E., & Park, C.H.K. (2026). Levels and associations of borderline personality features and early maladaptive schemas in bipolar disorder: A comparative network analysis of patients with and without severe borderline personality features. *Journal of Affective Disorders*, 400, 1211-1215. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2026.121174>

- Dondé, C., Bortolon, C., Demartini, L., Mondino, M., & Brunelin, J. (2026). From childhood trauma to body distortion in schizophrenia: The mediating role of early maladaptive schemas. *Asian Journal of Psychiatry*, 116, 1048-1052. <https://doi.org/10.1016/j.ajp.2025.104820>
- Du, Y., Cao, Y., Duan, X., Zheng, W., Chen, J., & Qu, M. (2026). Family structure and depression in Chinese adolescents: The mediating role of resilience. *Journal of Affective Disorders*, 397, 1209-1212. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2025.120982>
- Ehrlich, K. B., Celia-Sanchez, M. L., Yu, T., Heard-Garris, N., Chen, E., Miller, G. E., & Brody, G. H. (2024). Exposure to parental depression in adolescence and proinflammatory phenotypes 20 years later. *Brain, Behavior, and Immunity*, 117, 196-203. <https://doi.org/10.1016/j.bbi.2024.01.015>
- Fine, M. A., Worley, S. M., & Schwebel, A. I. (1985). The Parent-Child Relationship Survey: An examination of its psychometric properties. *Psychological Reports*, 57(1), 155-161. <https://doi.org/10.2466/pr0.1985.57.1.155>
- Grigorian, K., Östberg, V., Raninen, J., Åhlén, J., & Låftman, S. B. (2023). Prospective associations between psychosomatic complaints in adolescence and depression and anxiety symptoms in young adulthood: A Swedish national cohort study. *Population Health*, 24, 1015-1019. <https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2023.101509>
- Guo, Y., Chen, H., You, X., Liu, X., Sun, X., & Jin, Y. (2024). Relationship between parenting style and internet addiction: Interpersonal relationship problem as a mediator and gender as a moderator. *Heliyon*, 10(2), 239-245. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e23973>
- Jaeger, T., Moulding, R., Yang, Y. H., David, J., Knight, T., & Norberg, M. M. (2021). A systematic review of obsessive-compulsive disorder and self: Self-esteem, feared self, self-ambivalence, egodystonicity, early maladaptive schemas, and self concealment. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 31, 1006-1009. <https://doi.org/10.1016/j.jocrd.2021.100665>
- Kajonius, P., Sjöström, D., Gripe, I., Thor, S., & Claesdotter-Knutsson, E. (2025). Adolescents' personality and sex, age, socioeconomic status in explaining mental health: A representative Swedish national study. *Mental Health & Prevention*, 37, 2003-2007. <https://doi.org/10.1016/j.mhp.2025.200399>
- Khare, S. S., Pouwels, J. L., Hendriks, H., & Otten, R. (2025). Peer-reported social adjustment and social media use patterns among adolescents: A latent profile analysis. *Computers in Human Behavior Reports*, 18, 1006-1009. <https://doi.org/10.1016/j.chbr.2025.100692>
- Lewis, M. E., French, J. C., Rossoni-Notter, E., Notter, O., Moussous, A., Sparacello, V., Boschin, F., Ricci, S., & Nowell, A. (2025). An assessment of puberty status in adolescents from the European Upper Paleolithic. *Journal of Human Evolution*, 198, 1035-1040. <https://doi.org/10.1016/j.jhevol.2024.103577>
- Mastrogioseppe, M., Famà, F.I., Bruschetta, R., Leonardi, E., Campisi, A., Aiello, C., Carrozza, C., Ruggeri, A., Baieli, S., Campisi, S., Turriziani, L., Di Rosa, G., Lombardo, M.V., Tartarisco, G., Capirci, O., Pioggia, G., & Ruta, L. (2026). Early multimodal behavioral cues in autism: A micro-analytical exploration of actions, gestures and speech during naturalistic parent-child interactions. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 26(1), 1006-1010. <https://doi.org/10.1016/j.ijchp.2026.100664>
- Meiting, L., & Hua, W. (2020). The dark side of white lies: Parenting by lying in childhood and adolescent anxiety, the mediation of parent-child attachment and gender difference. *Children and Youth Services Review*, 119, 105-110. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105635>
- Mobini Kesheh, F., Jadidi, M., & Pourseyed Aghaei, Z. (2024). The Effectiveness of Positive Parenting on Parent-Child Interaction and Impulsivity of Students with Externalized Behavioral-Emotional Problems. *Journal of Applied Psychological Research*, Article in Press. <https://doi.org/10.22059/japr.2024.373694.644878> (In Persian)
- Molloy, C., Beatson, R., Fehlberg, Z., Macmillan, C., Harrop, C., Perini, N., & Goldfeld, S. (2025). Parenting program participation: A mixed methods study of barriers and facilitators in three Australian communities. *Children and Youth Services Review*, 179, 1086-1091. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2025.108610>

- Nwufu, J., Eze, J. E., Chukwuorji, J. B., Orjiakor, C. T., & Ifeagwazi, C. M. (2023). Parenting styles contributes to overt aggression, but age and gender matters Les styles parentaux contribuent à l'agressivité manifeste, mais l'âge et le sexe ont leur importance. *European Review of Applied Psychology*, 73(5), 1008–1012. <https://doi.org/10.1016/j.erap.2022.100852>
- Potter, S. N., Harvey, D., Sterling, A., & Abbeduto, A. (2025). The influence of parent and couple characteristics on parental responsivity during parent-child interactions in families of children with fragile X syndrome. *Research in Developmental Disabilities*, 164, 1050–1054. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2025.105044>
- Qin, X., Wang, A., & Zhang, H. (2025). Teacher Gender and Parenting Style: Evidence from Junior High Schools in China. *Economic Development and Cultural Change*, 73(4), 1945–1981. <https://doi.org/10.1086/733804>
- Royen, A. V., Wante, L., & Braet, C. (2024). The role of early maladaptive schemas in late adolescents suffering from school burnout and depressive symptoms. *Journal of Affective Disorders Reports*, 17, 100815. <https://doi.org/10.1016/j.jadr.2024.100815>
- Sadoughi, Z., & Aguilar-Vafaie, M.E. (2008). Factor analysis of the Young Schema Questionnaire-short form in a nonclinical Iranian sample. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(2), 214-219. <http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-474-en.html> (In Persian)
- Shehni Yeylagh, M., Azizi Mehr, A., & Maktabi, G. M. (2014). The causal relationship between covert and overt conflicts and school performance, mediated by parent-child relationship, antisocial behavior and withdrawal/depression among high school students. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 2(3), 1-16. https://jac.scu.ac.ir/article_10669.html?lang=en (In Persian)
- Sun, R., Gao, Q., Xiang, Y., Chen, T., Liu, T., & Chen, Q. (2020). Parent-child relationships and mobile phone addiction tendency among Chinese adolescents: The mediating role of psychological needs satisfaction and the moderating role of peer relationships. *Children and Youth Services Review*, 116, 105113. <https://doi.org/10.1016/j.chilyouth.2020.105113>
- Tariq, A., Quayle, E., Lawrie, S. M., Reid, C., & Chan, S. W. Y. (2021). Relationship between Early Maladaptive Schemas and Anxiety in Adolescence and Young Adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*, 295, 1462–1473. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.09.031>
- Vieira, C., Kuss, D. J., & Griffiths, M. D. (2023). Early maladaptive schemas and behavioural addictions: A systematic literature review. *Clinical Psychology Review*, 105, 102340. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2023.102340>
- Widyawati, Y., Scholte, R. H., Kleemans, T., & Otten, R. (2021). Positive parenting and its mediating role in the relationship between parental resilience and quality of life in children with developmental disabilities in Java Island, Indonesia. *Research in Developmental Disabilities*, 112, 103911. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2021.103911>
- Xiao, X., Guo, Y., Zuo, H., Fan, J., Yang, J., Xu, H., Gu, Y., Wang, S., Deng, L., Li, J., Tang, P., Fan, X., Zhou, B., & Li, L. (2026). Intergenerational development of rumination in adolescents with internalizing disorders: The mediating role of maternal rejecting parenting style and intergenerational trauma. *Child Abuse & Neglect*, 173, 107927. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2026.107927>
- Yang, H., & Chen, Q. (2025). Associations among negative parenting styles, parenting stress, and children's problem behaviors: A three-year longitudinal study. *Acta Psychologica*, 260, 1055701. <https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2025.105571>
- Young, J.E. (1998). *Young Schema Questionnaire Short Form*. Cognitive Therapy Center. <https://psycnet.apa.org/doiLanding?doi=10.1037/t12644-000>
- Zhao, F., Liu, M., & Li, S. (2020). Paternal coparenting behavior and adolescent prosocial behaviors: Roles of parent-child attachment, peer attachment, and gender. *Children and Youth Services Review*, 119, 105629. <https://doi.org/10.1016/j.chilyouth.2020.105629>
- Zhao, Z., Liu, H., Feng, Y., Chang, F., & Tang, B. (2025). The mediating role of short video viewing and other types of screen activities between parenting styles and children's personality traits. *Computers in Human Behavior Reports*, 19, 100755. <https://doi.org/10.1016/j.chbr.2025.100755>

Developing a Parenting Training Package Based on the Dominant Early Maladaptive Schemas in Adolescents and Examining Its Effectiveness on Parent-Child Interaction

Extended Abstract

Aim

Adolescence is a key period for social growth and development, as adolescents gain independence from their parents; spend more time with their peers, and peers become an important source of influence (Khare et al., 2025). Although the prevailing view is that most people survive the storms and stresses of adolescence, studies in the last decade show that the number of adolescents with behavioral, psychological, and emotional disorders is increasing day by day. This trend, along with the emergence of puberty symptoms, causes adolescents' family and social interactions to change. This is because adolescence is a complex period of development that is accompanied by physical, cognitive, personality, and social changes (Meiting, Hua, 2020). Problems resulting from puberty, as well as their physiological, psychological, and emotional changes, along with problems related to incorrect parenting practices, cause them to encounter maladaptive schemas (Ahmadzadeh Samani et al., 2021). This is while some adolescents also suffer from early maladaptive schemas due to abnormal parenting by their parents since childhood (Royen et al., 2025). There are various variables that have a fundamental value in the normal growth and development of adolescents. Parent-child interaction is one of those variables that can protect adolescents from the scope of psychological and emotional harm during this developmental period. This is because the family is the first institution in which adolescents grow and receive material and spiritual support from parents and other members (Potter et al., 2025). Research has shown that the interaction between children and parents and parenting style are the most important and fundamental factors among the various factors that affect the development of a healthy personality and the creation of adaptive schemas in children. Accordingly that positive development in childhood and adolescence is the foundation of a healthy personality, family, and society, and is an important factor for the overall development of children and future success (Kajonius et al., 2025). Currently, there is a clear gap in the availability of systematic and practical educational packages to guide parents of adolescents with early maladaptive schemas. This study aims to fill this gap, and it shows its necessity more than ever. The development and implementation of a special parenting package teaches parents how to replace past maladaptive patterns with constructive and corrective interactions by deeply understanding their child's inner world. Ultimately, this targeted intervention can lead to improved quality of parent-child relationships and, as a result, improved mental health of the next generation. Accordingly, the present study was conducted to investigate the developing a parenting training package based on the dominant early maladaptive schemas in adolescents and examining its effectiveness on parent-child interaction.

Methodology

Qualitative sections

The research method in the qualitative part was thematic analysis to develop a parenting training package based on the dominant early maladaptive schemas in adolescents. The thematic analysis method used in this study was based on the Attride-Stirling (2001) thematic analysis method, which identifies themes inductively and based on the approach of comprehensive, organizing, and basic themes, which is based on the position and type of themes in the thematic network. The statistical population of the present qualitative study consisted of two groups. The first group was adolescents in whom the dominant early maladaptive schemas were identified by administering a questionnaire. The second group was articles published in the field of parenting. It should be noted that from the results of administering the questionnaire on early maladaptive schemas among adolescents, the four schemas of distrust, rigid standards, emotional withdrawal, and emotional inhibition were the most frequent and were identified as the dominant early maladaptive schemas in adolescents. This point is important because the parenting package was written with these dominant schemas as the focus so that parents of these adolescents would gain knowledge about how to interact with a child with a maladaptive schema. The sample in the qualitative part included 400 adolescents aged 13 to 18 who were studying in the 5th education district of Tehran and responded to the questionnaire on early maladaptive schemas to identify the dominant early maladaptive schemas in them. The sampling method for these adolescents was also available. It also included 18 articles in the field of parenting that were used to develop a parenting training package based on the dominant early maladaptive schemas in adolescents (distrust schema, rigid standards, emotional detachment, and emotional inhibition).

Quantitative sections

The research method in the quantitative part was a quasi-experimental design with a pretest and posttest design with a control group and a two-month follow-up phase. The statistical population of the present quantitative study consisted of adolescents (13 to 18 years old) and their parents in the 5th Education District of Tehran in the

academic year 2024-2025. From the statistical population of the quantitative section, 40 adolescents were selected through purposive sampling and according to the inclusion and exclusion criteria and randomly assigned to two experimental and control groups (20 adolescents in the experimental group and 20 adolescents in the control group). The sampling method was as follows: from among the adolescents who had at least one maladaptive schema in the qualitative section by administering the Early Maladaptive Schemas Questionnaire, 40 students were selected in order of the score obtained in the screening questionnaire and were randomly assigned to the experimental and control groups (20 students in the experimental group and 20 students in the control group). Then, the parents of these students were invited to participate in the study. After that, the parents of the students in the experimental group received educational interventions related to the parenting educational package in one 90-minute session per week. In this study, the parents received the parenting educational package intervention based on the primary maladaptive schemas prevalent in adolescents, but their children responded to the parent-child interaction questionnaire in three stages: pre-test (before the intervention for parents), post-test (immediately after the intervention for parents), and follow-up (two months after the post-test). After the intervention began, 2 parents in the experimental group and 2 parents in the control group withdrew from the study. Accordingly, 36 parents remained in the study (18 in the experimental group and 18 in the control group). In this study, the Early Maladaptive Schemas Questionnaire (EMSQ) (Young, 1998) and the Parent-Child Interaction Questionnaire (PCRQ) (Fine et al, 1985) were used. In this study, descriptive and inferential statistics were used to analyze the data. At the descriptive level, mean and standard deviation were used, and at the inferential level, Shapiro-Wilk test was used to check the normality of the distribution of variables (optimal limit greater than 0.05), Levine test was used to check the equality of variances (optimal limit greater than 0.05), Mauchly test was used to check the sphericity of the research data (optimal limit greater than 0.05), and mixed-design ANOVA and Bonferroni post hoc test were used to test the hypotheses. Statistical results were analyzed using SPSS-23 statistical software.

Results

The results of the qualitative section showed that the four schemas of distrust, rigid standards, emotional detachment, and emotional inhibition were the most prevalent in adolescents, and the parenting training package was developed around these schemas.

The findings from the demographic data showed that the average age of adolescents in the experimental group was 15.25 ± 2.36 and in the control group was 16.41 ± 2.46 years. The results of the analysis of variance indicated that there was no significant difference between the average age of the experimental and control groups and there was no need to separate its effect in the present study ($\text{sig} = 0.38$; $t = -0.94$; $F = 3.29$). Also, in the experimental group, 10 people (equivalent to 55.56%) were girls and 8 people (equivalent to 44.44%) were boys. In the control group, 11 people (equivalent to 61.11%) were girls and 7 people (equivalent to 38.39%) were boys. The results of the chi-square analysis indicated that there was no significant difference between the frequency of gender in the experimental and control groups and there was no need to separate its effect in the present study ($\text{sig} = 0.16$; $df = 1$; Chi-square = 5.36).

Table 1. Analysis of mixed-design ANOVA for examining within and between group effects on parent-child interaction variable.

Variable s		Sum of Squares	df	Means Square	F	Sig	Partial Eta Squared	Observed Power
parent- child interacti on	Time (pretest, posttest, follow-up)	1577.72	2	788.86	35.97	<.001	0.51	1
	Groups	3768.92	1	3768.92	32.32	<.001	0.46	1
	Time (pretest, posttest, follow-up)*group	2667.79	2	1333.89	60.83	<.001	0.64	1
	error	1491.14	68	21.93				
Positive emotion	Time (pretest, posttest, follow-up)	550.57	2	275.28	28.20	<.001	0.45	1
	Groups	1344.08	1	1344.08	25.15	<.001	0.43	1
	Time (pretest, posttest, follow-up)*group	820.39	2	410.19	42.02	<.001	0.55	1
	error	663.70	68	9.76				
Trust and respect	Time (pretest, posttest, follow-up)	27.63	2	13.81	20.68	<.001	0.38	1
	Groups	131.12	1	131.12	34.33	<.001	0.42	1
	Time (pretest, posttest, follow-up)*group	70.29	2	35.15	52.63	<.001	0.61	1
	error	45.40	68	0.66				
	Time (pretest, posttest,	32.52	2	16.26	18.82	<.001	0.36	1

Anger	follow-up)							
	Groups	63.78	1	63.78	22.21	<0.001	0.37	1
	Time (pretest, posttest, follow-up)*group	62.74	2	31.37	36.31	<0.001	0.51	1
	error	58.74	68	0.86				
Identification with the parent	Time (pretest, posttest, follow-up)	29.13	2	14.56	25.06	<0.001	0.42	1
	Groups	58	1	58	21.19	<0.001	0.36	1
	Time (pretest, posttest, follow-up)*group	46.68	2	23.34	40.16	<0.001	0.54	1
	error	39.52	68	0.58				

The results of the mixed-design ANOVA in Table 1 show that the time factor or assessment stage (pre-test-post-test and follow-up) had a significant effect on the scores of parent-child interaction, positive affect, trust and respect, anger and identification with the adolescent's parent. The effect size shows that the time factor accounted for 51%, 45%, 38%, 36% and 42% of the variance in the variance of the scores of these variables, respectively. In addition, the effect of the group membership factor (parenting training package) was also significant on the scores of parent-child interaction, positive affect, trust and respect, anger and identification with the adolescent's parent accounted for 46%, 43%, 42%, 37% and 36% of the variance in the scores of this variable, respectively. The results also indicated that the interaction effect of the type of treatment (parenting education package) and the time factor on the scores of parent-child interaction, positive affect, trust and respect, anger, and identification with the adolescent's parent was significant and accounted for 64%, 55%, 61%, 51% and 54% of the variance in the scores of these variables, respectively. The statistical power of 100 percent also indicates high statistical accuracy and sufficient sample size to evaluate the effect of group and time interaction on the dependent variables. In a final conclusion, it must be said Mixed ANOVA revealed a significant group $\times$ time interaction for parent-child interaction, indicating greater improvement in the intervention group compared with the control group.

Conclusion

The aim of this study was to develop a parenting training package based on the primary maladaptive schemas prevalent in adolescents and to investigate its effectiveness on parent-child interaction. The results showed that the four schemas of distrust, rigid standards, emotional detachment, and emotional inhibition were the most prevalent in adolescents, and the parenting training package was developed around these schemas. The results also showed that the developed parenting training package had sufficient content validity and had a significant effect on adolescent parent-child interaction. Previous studies have rarely examined parenting interventions based specifically on adolescents' dominant early maladaptive schemas. However, the present finding that the parenting training package was effective on adolescent parent-child interaction was consistent with previous results. As Attaran et al. (2025) showed, parenting training is effective in improving the mother-child relationship. Azimi et al. (2024) also found that parenting training leads to a reduction in disruptive and destructive behaviors and an increase in self-control and attachment in female students. In addition, Boca et al. (2024) evaluated and confirmed the short-term and long-term effects of normal parenting on reducing children's behavioral problems. Finally, Molloy et al. (2025) reported in the Australian community that adaptive parenting is effective in improving the behavioral, interactive, and emotional skills of children with emotional problems.

In the present explanation, it can be stated that this educational package, by directly targeting the four primary maladaptive schemas, has made it possible to improve parent-child interaction through emotional retraining and emotional regulation. This process may play a role in improving the situation. By training parents to act as external emotional regulators, a safe environment was created for adolescents that allowed for the modulation of emotional arousal states. This process may partly explain the observed improvements were the direct consequences of this mechanism. This process was strengthened by emphasizing continuous and empathetic responsiveness to adolescents' emotional needs. As a result, the family's emotional atmosphere shifted toward greater calm and deeper connection. These positive changes provided a solid foundation for healthier interactions. In addition, the specific focus on the distrust schema through emphasizing trustworthiness and active listening led to the creation of psychological safety in the family environment. When adolescents believed that they could express their thoughts and feelings without fear of judgment or punishment, their willingness to engage in open communication increased. This psychological safety is a necessary condition for honest and transparent interactions to develop. By keeping promises and respecting privacy, parents repaired the lost trust. In such an environment, adolescents felt safe and were more willing to participate in family interactions. In another explanation, the present intervention targeted the parents' rigid standards schema and inconsistent beliefs about success. By replacing perfectionism with a "growth mindset," the emotional strain on adolescents was reduced. This cognitive shift shifted interactions from an evaluator-evaluated relationship to a supportive one. Parents

learned to emphasize effort and small improvements rather than focusing solely on outcomes. This new approach strengthened adolescents' self-esteem and provided a conducive environment for growth.

The present study, like other studies, has limitations. The limitation of the research population to adolescents in District 5 of Tehran was the first limitation of this study. Also, in this study, the psychological, social, family, economic, and educational conditions of the parents of these adolescents were not measured and controlled. In addition, due to the characteristics of the statistical population, Participants were not randomly sampled from the population, although they were randomly assigned to groups. Therefore, it is suggested that in order to increase the generalizability of the results, at the proposed research level, this study be conducted in other cities, monitoring the psychological, social, family, economic, and educational conditions of the parents of the adolescents participating in the study and using the random sampling method. It is also suggested that this study be conducted on other adolescents such as those with internalizing and externalizing behavior disorders, adolescents with a tendency to use drugs, adolescents with emotional dysregulation, etc., in order to create more research richness about the developed package. Considering the effectiveness of the parenting training package based on the primary maladaptive schemas prevalent in adolescents on parent-child interaction, at a practical level, it is suggested that education officials and planners (especially the deputy director of education departments) should take action to improve the parent-child interaction of adolescents by activating consultants and specialists from the counseling and psychological service centers of the Education and Training Organization, as well as employing expert psychologists in the field of adolescents, and by using the developed parenting training package, so that their individual, family, and social performance can also be improved.

Ethical considerations

In order to comply with research ethics, consent was obtained from adolescents and their parents to participate in the present study. Also, adolescents in the experimental group were informed about all the stages of the developed parenting training package. Also, parents of adolescents in the control group were assured that they would also receive these interventions free of charge after completing the research process, if they wished. In addition, adolescents and their parents in both experimental and control groups were assured that their information would remain confidential and there was no need to write personal details. In addition, the entire process of implementing the intervention was also provided to the parents free of charge. The present study has been registered with the ethics code IR.IAU.CTB.REC.1404.167 at the Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

Key words: Adolescents, Early Maladaptive Schemas, Parenting Training Package, Parents' Parenting, Parent-Child Interaction

Acknowledgments

This article was taken from a doctoral dissertation at Islamic Azad University, Central Tehran Branch. We would like to express our gratitude to all the adolescents participating in the study, their families, and the education authorities of District 5 of Tehran who fully cooperated in conducting the study.

Funding

The present research has not received financial assistance from any institution or organization.

Conflict of Interest

In this study, no conflict of interest was reported by the authors.